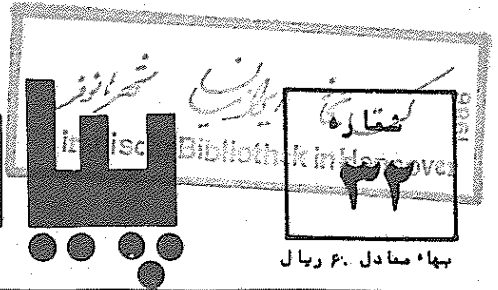




# پیام کارگر



بها ۰۰۰ ریال

سال دوم نیمه دوم آبان ماه ۱۳۶۷

ارگان کمیته خارج از کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

## فقها در نقش کارگردانان مضحک "فضای باز"

نیزنگ، شمیر نامرئی طبقات ستمگر در طول تاریخ بوده است که بویژه بحرصه بروز قریحه بینوازی تبدیل شد که بهترین تعبیر آن، در عبارت عامیانه "سیاست چرچیلی" بیان شده است. نیزنگ، معرکه رژیم بنیادینستی اسلامی از آغاز بقدرت رسیدن آن نیز بوده که در عمل، به اثبات تکیه کلام تندبای ترفند آخوندی منجر شده است. شخصی خمینی که طرح "آزادی مارکسیستها، توزیع عادلانه درآمد و تامین رفاه مردم" را بارها بر زبان رانده بود، نشان داد که علیرغم بلاهت سراسر مضحک و کمیک خود، دراین یک عرصه، استاد بلاغافز فن برای دستگاه فقهاتی حاکم است. هیچ تمجیبی ندارد که رفسنجانی "آزادی" و دل کندن از "تمصب"، اردبیلی از "رعایت قانون" و ابرجانی رژیم، ری شهری از "آزادی احزاب"، ارگستری جدید از نواهای آشنا میسازند.

نمایش مضحک کنونی در رابطه با آزادی که به تاریکی روی پرده آمده، بویژه تماشایی است. از یک سو دسته دسته قهرمانان پایبرد اوین را به دندانهای ژ ۳ میسپارند و از دیگر سو، لوحه "آزادی احزاب" را بر بقیه در صفحه ۲

## علیه اعدام و شکنجه و برای آزادی زندانیان سیاسی متحداً مبارزه کنیم

کرچه بازتاب این مبارزات افشاگرانه فضای ایرانی خارج از کشور را تا حدی تحت تاثیر خود قرار نداده است و فجایعی را که در زندانهای کشور میگذرد در سطحی محدود به اطلاع افکارعمومی رساندهاند. اما این جنبش با دامنه محدود خود و ضعفهای جدی که دارد هنوز پاسخ شایستگی به این خواست جنبش دمکراتیک که اکنون به مهمترین شعار جنبش خارج از کشور بدل شده است نداده است. بدیهی است با وجود نقطه ضعفهای اساسی در این جنبش و فقدان یک سازمان تسودای دمکراتیک که بتواند بخش قابل ملاحظه‌ای از مهاجرین ایرانی را به افشاکاری و روبروشی با سیاستهای سرکوبگرانه رژیم اسلامی بکشد و مجالی برای بحرکت درآمدن این نیرو فراهم کند، مبارزه در این زمینه نیز همچون مبارزات ضد جنگ در گذشته از حتمییتی بیشتر ارتقا نخواهد یافت. با این حال اگر بتوان بخاطر وجود برخی ظل عینی چون عقب نشینی جنبش و آثار شکست انقلاب به انفعال این جنبش یا دید اطمینان نگرینست ولی بیخ وجه

طبق خبرهای رسیده از ایران و گزارشات سازمانهای مختلف سیاسی، در ماههای اخیر موج تازه‌ای از اعدام زندانیان سیاسی، تجدید محاکمه آنها و انتقال زندانیان به مکانهای نامعلوم آغاز شده است. ترواقع متعاقب قبول آتش بس که رژیم زهرچشیده فقها برای انتقام از مردم و گسترش جو رعب و وحشت در جامعه حمله دیوانوار و سبماندای را علیه زندانیان سیاسی آغاز کرد و صدها نفر از آنها را بقتل رساند، فشارسرکوب در زندانها پیوسته ادامه یافته است. گرچه انعکاس اخبار این اقدامات فجیع در سطح جهانی اعتراضی برخی از مراجع حقوقی بین المللی را برانگیخته است، اما رژیم سفاک اسلامی علیرغم این اعتراضات، درسکوت کامل و در خفا همچنان به ادامه کشتار و شکنجه زندانیان در سطح کشور ادامه میدهد.

بدنبال شروع این اعدامها از طرف فعالین سازمانهای سیاسی و انجمنهای دمکراتیک درخارج از کشور اقدامات دفاعی برای نجات جان زندانیان آغاز گردید، که هنوز دراینجا و آنجا بصورت حرکات پراکنده ادامه دارد.

بقیه در صفحه ۲

## زندگی و مبارزات پناهندگان

● گفتگو با پناهندگان در صفحه ۱۰

● سوئیس - برن

● اعتراضی قانون پناهندگان به

وضعیت بد پناهندگان در آن کشور

● تظاهرات پناهندگان بلوچ ایرانی در کراچی در صفحه ۸

## بنیاد جدید

برای سینمای جهان سوم

در صفحه ۱۴

## پیرامون فعالیت بین المللی ما

فعالیت بین المللی، بعنوان یکی از عرصه‌های اصلی کار سازمان خارج از کشور، جایگاه ویژه‌ای در مجموعه برنامه‌های ما دارد. بهمین جهت روشنگری مناوم درباره جوانب مختلف آن ضروری است. در این نوشته نگاهی گذرا بر کلیات و رؤس موضوع خواهیم داشت و در فرصتهای دیگر و در برخورد با فعالیتهای نوربای به تشریح هر یک از محورهای این عرصه از فعالیت خواهیم پرداخت.

جایگاه فعالیت بین المللی در برنامه ما: جایگاه

بقیه در صفحه ۳

انتخابات آمریکا، تجارت مثل همیشه!

در صفحه ۷

گفتگو با هنرمند پیشرو نریمان حجتی

در صفحه ۱۲

## محکومیت اعدام زندانیان

سیاسی ایران توسط  
سازمان ملل

نیویورک -

سازمان ملل متحد در گزارشی ایران را بخاطر مسوچ جدید اعدامها شدیداً مورد سرزنش قرار داده است. در گزارشی در اینمورد آمده که قبل و بلافاصله پس از آتش بس در ایران سری جدیدی از مخالفین رژیم اعدام شدند.

در گزارش کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، یک نظارت کامل و مداوم درمورد میزان و چگونگی اجرای حقوق بشر بعنوان امری ضروری و فوری ذکر شده است.

برطبق اظهارات رینالدو کالدینیا پرل، کاردار ویژه سازمان ملل ایران، شمار این اعدامها که از وابستگان بشکروهایی ایویزیسیون بودند، بنا بر نظر گروههای ایویزیسیون، بالغ بر ۱۱۴۰ نفر میشود.

علیه اعدام و شکنجه و برای نجات جان زندانیان سیاسی بپا خیزیم!

## ادامه از صفحه ۱

## علیه اعدا و شکنجه و...

نمی توان لختی و بی توجهی سازمانهای سیاسی را در تحرك بخشیدن به این جنبش و كوشش برای عقد اتحاد عمل های موردی و ایجاد يك هماهنگی در بالا برای يك كاسه كردن فعالیتهای گروههای هوانداری واحدهای محلی نادیده گرفت. نباید نسبت به این واقعیت بی اعتنا بنامیم که فعالیتهای علمی ما در دفاع از زندانیان سیاسی و مقابله جدی با موج اعلامهای جدید که پس از ۳۰ خرداد و یکی دو سال پس از آن بیسابقه بوده است بسیار ناچیز بوده و از سطح اقدامات پراکنده و کم اثر محلی که آنهم با تاخیر و لختی زیاد آغاز شد فراتر نرفته است. به این مسئله باید برخورد جدی داشت و علیه رژیمیی که پنجمهای خونینش را در گلوئاسیران و رزمندگان بی دفاع فرو برده متحده و با اقدامات گسترده و موثر به مبارزه برخاست. اینجا دیگر جای این پا و آن پا کردن نیست و دلخوش کردن به اقدامات کوچک و پراکنده محلی عین ولنگاری و بی مسئولیتی سیاسی است. البته روشن است که هدف ما کم بها کردن تلاشهایی که در سطح محلی صورت میپذیرد نیست بلکه مقصود توجه دادن به وضعیت خاد کونی در زندانها و نیازی است که قهرمانان در بند به کمک و همعلاقی ما دارند. يك فعالیت گسترده و هماهنگ برای به تکان درآوردن افکار عمومی جهانیان و ایجاد يك نیروی فشار قوی روی رژیم جنایت کار قفا، مستلزم اتحاد عمل سازمانها و نیروهای انقلابی است. يك چنین هماهنگی، واحدهای شهری و محلی را هم از درغلطیدن به مباحث دور و دراز و کسل کننده و ائتلاف انرژی رها خواهد ساخت وهم تمام نیرویشان را روی فعالیت موثر متمرکز

خواهد کرد.

اتحاد عملا و فعالیتهای مشترکی که در ماهها و هفتههای گذشته میان واحدهای محلی و سازمانهای هوانداری گروههایی چون سازمان چریکهای فدائی خلق - اقلیت، سازمان چریکهای فدائی خلق - شورایی، حزب دمکرات کردستان ایران رهبری انقلابی، سازمان وحدت کونیستی و سازمان ما در استکلم، وین، هامبورگ و ... انجام گرفت نشان میدهند که برای سازماندهی يك اقدام محلی چه زحمات و انرژی صرف میشود ولی با این حال این اقدامات نمیتواند نیاز حیاتی که این شعار به تبلیغ گسترده و موثر دارد برآورده سازند. و لذا بیش از هر عامل دیگری خود این اقدامات محدود ضرورت همکاری و اتحاد عمل در سطح سازمانها را نشان میدهند. علاوه بر این اتحاد عملهای مذکور در مقایسه با دوران مبارزات ضد جنگ بین جهت گیریهای بازم مثبت برخی از این گروهها در کار مشترک و فاصله گرفتن از سیاست مخرب مشروط کردن دیگران به سیاست ائتلافی خود است، که چنانکه میدانیم "حزب کونیست" کوبله مبلغ و مروج اصلی آن بوده و هنوز هست. علیرغم این اما تردیدی نیست که مقاومت عائی مانع اتحاد عمل در سطح سازمانها میشود، بازتاب مشی سکاریستی ریشه - ناری است که همچنان به حیات خود ادامه میدهد و دقیقا وجود همین گرایش است که خود را در سطح واحدهای محلی، بصورت کشمکشهای بی محتوا و چانه زدن های خستکننده روی این یا آن تیصره ظاهر میسازد و همه را از رسیدن به توافقات علمی و جلب تودمهای مهاجر باز میبدارد. در این دوره که جنبش خارج از کشور روی شعار دفاع از زندانیان سیاسی متمرکز شده باید بطور جدی با این گرایش مبارزه کنیم و با آموختن از تجربیات

دوره گذشته ننگاریم این مبارزه هم به سر نوشت جنبش ضد جنگ دچار شود. چنانکه بالا گفتیم یکی از تجارب دوره مبارزات ضد جنگ که تاثیر منفی و مخرب زیادی بر اتحاد عمل سازمانها داشت و در این دوره هم تاحدی امکان بروز ندارد سیاستی بود که "حزب کونیست" کوبله آنرا "قاطعانه" در عمل پیش گرفت. این حزب با پیروی از مشی سکاریستی و بدوی مشروط کردن احزاب دیگر به پذیرش کل سیاست ائتلافی خود در پراکندن نیروها و رواج جو بی اعتمادی نقش بسیار موثری داشت و همانطور که دیدیم در پیشبرد این خط مشی چنان پیگیری از خود نشان داد که بالاخره خود را به انزوی کامل کشاند، بگونهای که در این دوره از فعالیتهای دفاع از زندانیان سیاسی، در هیچیک از مواردی که در بالا بر - سرده شد شرکت نجست.

اکنون ما، با توجه به ضرورت گسترش هر چه بیشتر يك پیکار وسیع علیه شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی و دفاع از آزادی همه آنها و درس آموزی از تجارب جنبش ضد جنگ و کنار نهادن روش غلط و سکاریستی مشروط کردن این یا آن سازمان سیاسی به سیاستهای ائتلافی مطلوب خود از سازمانهای طیف اقلیت (شورای عالی - اقلیت) سازمان وحدت کونیستی، سازمانهای دمکراتیک طیف مذهبی، آرمان مستضعفین، موحیدین انقلابی و ارشاد و حزب دمکراتیک کردستان رهبری انقلابی، گانون سیاسی - فرهنگی خلق ترکمن و سازمان جنبش خلق بلوچر خارا زکسور و شخصیتهای مرفقی دعوت می کنیم چو لشعراهای قطع شکنجه و اعدام و دفاع از آزادی همه زندانیان سیاسی، اتحاد عمل های موردی در سطح واحدهای محلی را به يك جنبش سراسری، هماهنگ و موثر تبدیل کنیم.

## ادامه از صفحه ۱

## فقها در نقش کارگردانان مضحک "فضای باز"

خود بویژه در مورد لیبرالها نوازند.

بدون تردید، هرکام دشمن خونریز در عقب - نشینی، نشانه پیروزی تودهها و تضعیف شتاب گیرنده رژیم است. هر ترکشی در این نظام منجمد و سفاک، روزنای برای ایراد ضربه به آن در اختیار ما خواهد گذارد. اگرچه رژیم، این ظواهر آتش بس را در قبال اعلام جنگ مداوم مردم، همچون فرصتی برای ترسیم ماشین سرکوبگری خود و از میان بردن انسانهایی که به خیال او "به میان قابل دید می آیند" در نظر میگیرد، اما در عین حال، تحریک قزون خواهی توده به حق میتواند خود رژیم را از میدان برکند.

جامه "زندگی را که رژیم بربر میکند، و علاوه بر آن به دندان گرفتن این "دمکراسی" سلوب الهویه از سوی بیشرم ترین و غدارترین دشمنان آزادی و دمکراسی، ضرورت آموختن درسی تاخیرناپذیر را به جنبش کونیستی ایران یادآوری میکند. چپ انقلابی باید این درس را فراگیرد که امروز دفاع از دمکراسی بمثابة حلقه اتصال مشت های مهاجم به پیکر رژیم، هیچگونه رنگی را نمی بخشد. اگر به اهمیت این امر باور ندارند، لاقال میتوانند برهان خلف آنرا در نتیجه عملکردهای رژیم، دریابند. بهیچوجه نیست که فقهای حیلگر، درست در پشت نام "آزادی" - یعنی چیزی که به تمامی از آن نفرت دارند - به تحقیق و تخریب تودههای تشنه آزادی سنگر گرفته اند. پایان سخن اینکه، اگر کشتی شکستگان را هیچ تدبیری مدنظر نخواهد افتاد، امکانات هنوز در کیسه مانده سایر دشمنان دمکراسی و رهایی و عدالت ما، هشیاری متقابل ما و جدیت ما را گوشزد میکند.

بنحوی قابل ملاحظه از مشاورت لیبرالهای چشم دوخته به "درچمهای" بخیل "رحمت" بهره گرفتند.

فقها، به امر بازگشت کارشناسان و سایر مهاجرین بی علاقه نیستند، چرا که علاوه بر نیاز بدانها، مسئله مهم دیگری را در نظر دارند و آن تصویری است که وجود میلیونها ایرانی گریخته از شرایط ایجاد شده توسط حکومت، به "جهانیایی" میدهد که خمینی درصدد فزودن دست آنهاست.

فقها بخوبی میدانند که جمعیت مهاجر - بویژه تکنوکراتهای مورد نیاز "بازسازی" - هر چه که باشند، با شیوه استبداد مذهبی سازگار نیستند. باید برای آنها، بقول رفسنجان "فضای مناسب" را ایجاد کرد رژیم همچنین به تاثیر دمکراسی های غربی بر روی جمعیت ایرانیان مقیم خارج آگاه است. اما مهمترین هراس رژیم، از مشاهده پیشانی پرخشم مردمی است که به جان آمده اند. جنایتگرانی که در یک نست جامهای خون زندانیان و در دست دیگر، تعارفات دمکرات مآبانه دارند، بناچار سعی خواهند کرد با پرچلوه دادن یکی که نمای فریبندگی هم نداشته باشد، حضور اولی را که واقعی تر است، در سایه فراموشی - عمدتا برای مطبوعات چنانچرا غربی - محصور کنند. آنها، اهمیت لیبرالیسیون جامعه نزد غربی ها را بدقت درک کرده اند.

بیش از هر کسی، خود سردمداران، به بن بست انفجاری کونی که از تراکم و تشدید سرکوبگری و کشتار پدید آمده، آگاهند و چارهای جز استفاده مجدد از تشنگان علنی و فعالیتهای مجاز برای تطهیر چهره

سردهای بنگههای فریب خود می آورند. جالب توجه اینکه، مهمترین نکته را به ماموریت ری شهری به اجرا میگذارند! مناسب ترین چهره "تبلخ" آزادی!!

البته فراموشی این واقعیت خیره کننده برای رژیم جایز نیست که آنها، داوطلبانه پای به صحنه مضحک کونی نگذاشتند. برای جلاندن کلمه "آزادی"، حکم بسم الله برای چن را دارد. حال که چن ناگزیر به برزیان آوردن کلمه "دهشت آور آزادی" شود، نشانی جز از ضعف و استیصال رژیم ندارد. این جام زهر دیگری است که اینبار نوشیدن آن، یا محال است یا قبول مرگ. درود به آن بی شمارانی که نمایش عجز آمیخته با نفرت خمینی در قبال آزادی را به او تحمیل کردند!

شولای ظلمتی که فقها بر سراسر ایران گسترده اند، مردم در برابر نیرزهائی، مشك میشود. طبیعی است که اگر آنان خود این منفذها را وسیعتر کنند، دیگر از وجود خود آنان خبری در بین نخواهد بود، چرا که در آن صورت سپیده دیگر برده شده است و شولا در کام حادته فروبعیده خواهد شد. جمهوری اسلامی، یکبار در آغاز انقلاب و بناگزیر، ترفند آخوندی را آزمود و در تور پینی که گسترده، بسیاری را به نام انناخت. اینبار اما، تنها "نبوغ" طیف راست میتواند خاطرات گذشته را تکرار کند و "خط صلح دوستانه و آزادیخواهانه" خمینی را جانشین "خط ضد امپریالیستی و مردمی" بینگارد. با این تفاوت که اینبار مردم را نخواهد توانست بفریبد. شکی نیست که سیاست گذاران قم - تهران،

## پیرامون فعالیت بین‌المللی ما

وظائف بین‌المللی ما در ماهیت برنامه کمونیستی و انترناسیونالیستی ما است، که در فرمول موجز مانیفست کمونیستی که "کارگران مین ندارند" به رساترین بیان اعلام شده است. آیا این انترناسیونالیسم همانند اخوت جهانی اومانیتها از يك زاویه اخلاقی و نودوستانه مطرح میشود؟ آیا انترناسیونالیسم پرولتری از بنیاد خیر و حسنه صلحان جامعه بشری برای برقراری آرامش و صفا و برادری در جهان برمیخیزد؟ پاسخ مارکسیستی به این سؤالات منفی است. مارکسیسم، طرح موضوع انترناسیونالیسم را از زاویه جهانی بودن شیوه تولیدی که پرولتاریا را آفریده، یعنی سرمایه‌داری، عنوان میکند. یعنی چون سرمایه‌داری يك سیستم جهانی است و با ایجاد بازار جهانی به تضادهای طبقاتی ابعاد بین - المللی میدهد و گورکن طبقاتی خود یعنی پرولتاریا را هم در سطح بین‌المللی در مقابل خود قرار میدهد به او و مبارزاتی خملت جهانی میبخشد. به این ترتیب اگر منافع سرمایه در هر کجای دنیا اساسا بهم گره خورده، منافع اردوی دشمن او نیز چلین است. اگر سرمایه‌داری در هر گوشه دنیا برای حفظ سیستم جهانی خود طریغم همه تضادهای شدید فرونی اش بصورتی متحد عمل میکند، پرولتاریا نیز برای رهایی خود و همه بشریت ناگزیر به پیروی از این اصل است. و این جهانی شدن و رو در رو قرار گرفتن در این ابعاد، خصوصا با پیروی طبقه کارگر در يك سوم کره ارض و به وجود آمدن اردوی سوسیالیستی در مقابل اردوی سرمایه داری، چهرای مشخصتر یافته است. اینها آموزش های اساسی مارکسیسم و اصولی بدیهی است که کمکن استدروله اول تکراری و کلی بنظر آیند. اما تاکید بر آنها نه تکرار آموختهها بلکه شالودریزی برنامه فعالیت ماست. تنها در صورتی که باین آموزشها در عمل وفادار باشیم، می توانیم بیان مثبتی از فعالیتها و اقدامات مربوط به این عرصه از وظائف کمونیستی ما را ارائه کنیم. واضح است که وقتی از فعالیت بین‌المللی بعنوان یکی از اصلی ترین وجوه فعالیت تاکید داریم، شکل عملی آنرا جز در انطباق با فرمول لنینی انترناسیونالیسم پرولتری، یعنی یکسره کردن کار با پرولتاریای خود و حمایت از این خط مشی در هر کجای جهان، نمیدانیم. یعنی فعالیت بین‌المللی در خارج از کشور مستقیما در ارتباط با انقلاب در ایران، "یکسره کردن کار با پرولتاریای خودی" و همچنین همبستگی فعال با نیروهای انقلاب جهانی در همه جا است.

شرایط بین‌المللی مبارزه طبقه کارگر و انقلابات رهایی بخش امروز به گونهای است که يك تکان در يك منطقه از جهان فورا به صف بندی و آرایش دوستان و دشمنان در سطح جهانی منجر میشود. در مورد انقلاب ایران این فعل و انفعالات با حساسیت خاصی رخ میدهد، چرا که موقعیت ژئوپلیتیکی ایران بگونهای است که هر رویداد مهم سیاسی در آن، بلافاصله جنبه بین - المللی بخود میگیرد. جنگ ایران و عراق آخرین نمونه از این واقعیت است که تاثیرات جهانی آنرا شاهدیم. ایران کشوری در خردستها و یا صرفا یکی از کشورهای خاورمیانه نیست. بلکه بر ساحل خلیج با ۳۰ درصد ذخائر نفت جهان، در همسایگی اتحاد شوروی، کشوری پنجاه میلیونی پرگزرگه استراتژیک خاورمیانه، با سطح رشد بالا در میان کشورهای در حال توسعه و امکانات

فراوان اقتصادی است. انقلاب در ایران تاثیر مهمی در توازن قوای بین‌المللی خواهد داشت. حتی انقلاب شکست خورده بهمین با آنکه ارتجاع بنا بر تاریستی حافظ سرمایه‌داری را بر سرکار آورد، زلزله‌ای بود که عوارض آن هنوز در ثبات و توازن قبلی منطقه باقی است. اما انقلاب آتی اگر می‌خواهیم انقلاب ما باشد، یعنی انقلاب نوع پرولتری که طبقه کارگر را بر راس قدرت بنشاند دیگر جز يك دگرگونی بنیادی در صف بندی و توازن قوای منطقه‌ای و جهانی نخواهد بود، انقلاب ما بقوریت با صف ارتجاع جهانی امپریالیستی روبرو خواهد شد. از این رو آرایش صف دوستان جهانی برای آن يك نیاز حیاتی و استراتژیک است. در یورش و تهاجم به انقلاب ما، بدون آرایشی از برادران جهانی طبقه کارگر ایران برای پشتیبانی و بدون حمایت نیروهای مترقی و دموکراتیک در سطح جهان، سخنی از پیروزی در میان نخواهد بود. تندیکی سرنوشت انقلاب ایران با این موضوع چنان است که اگر واقعا بنحوی جدی به انقلاب و پیروزی آن بیندیشیم، اهمیت سازمان دادن بازوی بین‌المللی آن آشکار میشود. بنابراین باید آگاه بود که این برنامه که اساسا توسط نیروهای سازمان خارج از کشور پیش برده میشود، همانند همان مبارزه فئودالانهای است که رزمندگانمان در داخل برای برپایی سنگرهای هژمونی پرولتاریا و پیروزی انقلاب انجام میدهند.

تحقق بخشیدن به وظائف برنامه‌ای ما در حوزة بین‌المللی، پیوند تنگاتنگ با گسترش رابطه با نیروهای انقلاب جهانی دارد. تاکید بر سه نیروی انقلاب جهانی یعنی اردوگاه کشورهای سوسیالیستی، جنبش کارگری کمونیستی، طبقه کارگر کشورهای امپریالیستی و جنبشهای انقلابی در کشورهای زیرسلطه - نشانه اولویت استراتژیک ماست. در عرصه دیگر هرگونه توجه به گروه‌بندی های دمکرات غیرچپ و افکار عمومی مترقی و صلح طلب نه تنها در مرحله کنونی مبارزه ما واجد اهمیت هستند بلکه بعنوان نیروی ذخیره میتوانند در بلند مدت نیز کارگشا باشند. از طرف دیگر بعلت اینکه کارگران کشورهای سرمایه‌داری بصورتی گسترده با گروه‌بندی های سوسیال دمکرات در ارتباطند. لذا ارتباط گیری با تشکلهای تودهای کارگران خصوصا در کشورهای اروپایی، مسئله ارتباط با احزاب سوسیالیست را مطرح مینماید. طریغم ماهیت بورژوا - امپریالیستی این گروه‌بندی ها، بهمان دلیل ذکر شده میباید در راه ایجاد این ارتباط کوشید. و در این میان میتوان از مواضع پاسیفیستی بعضی از این احزاب در مبارزه برای صلح نیز بهره جست. اما در هر حال، باید توجه داشت که اینگونه ارتباط نباید کترین خدشهای در مرزبندی قاطع ایدئولوژیک سیاسی ما با این گروه‌بندی ها بوجود آورد. ما با تاکید بر هویت کمونیستی خود و بر مبنای يك پلاتفرم دمکراتیک این ارتباط را شکل نماند و پیش میبریم. طیف نیروهای پراکنده چپ که با گرایشات رادیکال فعالیت میکنند، جهت برقراری و ارتقا پیوند ایدئولوژیک - سیاسی و همچنین بعنوان حلقات ارتباطی ما با جنبش کارگری کشورهای مختلف مورد توجه ویژه بوده و باید با برنامه شخصی در این راستا فعالیت کنیم. معمولا این طیف سیاسی از توه کارگران جداانده و بعلت غلبه رفرمیسم بر جنبش کارگری کشورهای پیشرفته، تمایل به فعالیت در این جنبشها را از دست دادند. این یکی از وجوه

اصلی مبارزه ایدئولوژیک ما با آنها برای جلب توجه آنان به کار در میان کارگران است. تا با پیشروی در این زمینه، پیوندهای ایدئولوژیک ما با یکدیگر مستحکم شود. چگونگی پیشبرد فعالیت: ایجاد و گسترش روابط نیازمند پیروی از اصولی است که غفلت از آنها ما را از دستیابی به اهداف مورد نظر باز میدارد. اول، تاکید بر مضمون سیاسی رابطه: این آن اصلی است که باید در تمامی وجوه رابطه پیوسته مورد نظر باشد. یعنی گسترش آگاهی نسبت به وضعیت مبارزاتی کشور خود و کشورهای دیگر تبادل نظر و تجارب و عمق دادن به پیوندها و کسب حمایت معنوی و سیاسی و دست یازیدن به عمل مشترک و مبارزه متحد. اگر بدون در نظر گرفتن این اصل و صرفا با دید تنگ نظرانه بر اساس منافع آتی به يك رابطه نزدیک شویم، در بلند مدت نخواهیم توانست منافع واقعی انقلاب را پاسداری کنیم. باید بخاطر داشت که کنگ و پشتیبانی مادی و تدارکاتی که بصورت طبیعی مطرح هستند، بعنوان محصول فرعی يك رابطه واقعی سیاسی معنا خواهند داشت.

دوم، رابطه متقابل: این اصلی است که در صورت غفلت از آن یا هیچ رابطهای شکل نمی گیرد و یا به انحطاط و فساد میگردد. دلایل مختلفی برای غفلت از رعایت نوطرفه بودن رابطه و همکاری متقابل مناسبات احزاب وجود دارد. عمدتترین آنها نوعی ناسیونالیسم و خودمحوری و یابریکس آن، کم بها دانان به نیروی خود و تسلیم شدن به قدرت دیگران است. دوری از انترناسیونالیسم میتواند بصورت تلاش برای متمایز کردن انقلاب کشور خود و غفلت از نیازها و دشواریهای انقلابات دیگر در نقاط مختلف جهان، نمایان شود. در چنین حالتی بدون در نظر گرفتن مسائل مبارزاتی در کشورهای دیگر و بدون توجه به نقشی که ما میتوانیم در پیشروی مبارزات دیگران داشته باشیم، خواهان کنگ های یکطرفه آنان میشویم. و این عارضای است که نشان از کمونیسم ملی دارد. وجه دیگر این انحراف، که ناشی از عدم اعتماد بنفسی طبقاتی و سیاسی است، خود را بصورت ناتوانی در تاشرکناری و کنگ به مبارزات دیگران بروز میدهد. باور کردنی نیست که يك نیروی سیاسی هرچند بلحاظ کمی ضعیف، نتواند قدمی در پیشروی مبارزه در يك محیط دیگر بردارد. چرا که کمونیستها فارغ از میزان کمیت خود موظفند که در هر لحظه و در هر زمان نقش و وظیفه انترناسیونالیستی خود را ایفا نمایند. مثلا در يك مبارزه کارگری و یا دمکراتیک در کشوری دیگر، حتی یکفرازمانیتوانند از حضور خودو اعلام همبستگی تا اقدام به هر کنگ مادی از جمله باری رساندن در امر تبلیغات و تدارکات تا بررسی همه جانبه مسائل آن مبارزه و اعلام نظر و مبارزه با گرایشات انحرافی درون آن جنبش، وظائف متعدد و متنوعی را بدوش گیرد. شسف کمی در نزد کمونیستها، توجهی که بی توجهی به همبستگی عملی نیست، بهمان ترتیب که توانائی دوستان، خصوصا در مورد احزاب در قدرت، نمی تواند منجر به احساس ضعف و ناتوانی در دخالت ما چه بصورت مبارزه با انحرافات آنها برای تصحیح مواضعشان و چه حمایت پیگیر از مبارزه آنان شود. چنین وضعیتی دانمکنیر نیروهای میشود که از پایه طبقاتی خود چنان

## نامه‌ای از ایران ...

صلحی که هنوز هیچ چیزش معلوم نیست همون جنگه

اول باید جنگ و ویرانی راه بیندازند [پیرمرد کارمن گفت: راست میگه، مانگ نخوریم تون گندم، دیمیم دست مردم، من اگه مثل این آقای راننده سواد ندارم اما تا اونجا که یادمه و شنیدم تو این مملکت نرزمانهای قدیم، نادرشاهها، قاجاریها ۰۰۰ خیلی جنگ راه انداختن چرا پیشرفت نکردیم؟ نمیونم والا شاید جنگ ملاحا با سایر جنگها فرق داره که پشتش ملکت بهشت و برین میشه (خنده) جمعی جوانی که کنار راننده نشسته بود با خنده گفت حالا شما اصلا سرچی دعوا دارید؟ بازار آمریکا بیاد تو مملکت کی بدش میاد؟! والا تو این چند ساله هم اون بود که زیره زیری ما رو نگه داشت الان ۶ ماهه برنج نماندن معلوم میشه که قبلا آمریکا بواشکی می ریخته تو مملکت تازه اگه آمریکا نبود و مهات ولوازم یدکی اون نبود که این رژیم بجای ۸ سال ۸ ماهه نقش درآمده بود، خوب بیچارهها دیگه از این قایم موشک بازی خسته شدن و میخوان علنا بیان تو و آخوندها هم حرفی نماندن چون خیلی ببخشید پدرم همیشه میگه آخوند جماعت شیش در ۰۰۰ سرمایه داره. امام از مردم خجالت میکشن نمیونن جواب این مردم رو چی بدن که بقول آقای راننده هشت سال گفتند مرگ بر آمریکا حالا باید بکن مرحبا بر آمریکا!

یک ماشین سواری گزایه که بین تهران و یکی از شهرکهای اطراف در حرکت بود پنج مسافر داشت. راننده که جوانی سیه چرده و لاغر اندام بود پس از حرکت با اجازتای، گفت و ضبطش را که آهنگ کوچه بازاری پخش میکرد روشن نمود، چند لحظه بعد من خطاب به راننده گفتم دیگه نورهای شاد بنار آخه ناسلامتی زمان صلح! راننده خنده‌ای کرد و گفت هرکی سلیقتای داره منم با اینا حال میگم تازه صلحی که هنوز هیچ چیزش معلوم نیست همون جنگه مگه نمی بینی چقدر شهید مایرن، معلوم نیست اینا کجا بودن، جوانی ریش و چاقی که در جلو نشسته بود و سعی میکرد با نراکت صحبت کند گفت این شهیدا مال درگیری با منافقینه ولی همچو زیاد هم نیست مثل دفعات گذشته است. مرد سنی که در عقب کنار من نشسته بود گفت خوب اینا دیگه تنه شهیدان هرچی تو سردخونهها دارن مایرن اما این بیچارهها بدشانسی بودن، راننده با اعتراضی و دلخوری گفت انگاری که ما خیلی شانس داریم که از صبح تا شب تو این جهنم چون می کنیم و حالا از این به بعدش رو خدا خیر کنه، اینچوری که معلومه تازه سختی مردم در راهه، جوانی که کنار دست راننده و جوان ریشو نشسته بود گفت نه بابا کی میگه؟ الانه دارن سفارت آمریکا رو آب و جارو میکنن همین روزا کشتی های پرچنس و مواد خوراکی میاد و این مردم ملی از عزا درمیارن، راننده با نراحتی و غیظ گفت فقط جوونهای این مملکت زیادی بودن که رفتند و آبادیا که ویران شدن پس نتیجه این هم بگش و برن چی شدن؟ اونهمه حرفهای صدمن به غاز فقط برای کول زدن مشتای خام جنوب شهری بود که برن و در راه اسلام نوظهور آقا یون قربونی بشن والا پولدار جماعت که حسابی بار خودشو بست و فلکم جلوپارش نشد، جوان ریشو گفت نه اینطور هم نیست این جنگ بما خیلی چیزها یاد داد، راننده با تغییر در حالیکه خم شده و بصورت جوان نگاه میکرد پرسید مثلا؟ جوان ریشو گفت اینکه ما فهمیدیم باید به نیروی خودمان متکی باشیم! باید در صنایع نظامی پیشرفت کنیم و اصولا هر جنگی سازنده است، ژاپن بعد از جنگ بود که آتمه ترقی کرد و اکثر ملتها بعد از جنگ خیزش کرده و جلو رفته اند و ما هم درسته که خیلی چیزها رو از دست دادیم اما خیزش خواهیم کرد؟! راننده که کاملا عصبانی شده بود ضمن آنکه مدام روی فرمانش میکوبید با حالت تعرضی گفت: بس کن، بس کن این فرمایشات رو ببر برای اونائی که چیزی بارشون نیست بگو، من خودم تکمیسین برق بودم با ۸ سال سابقه کار در توانیر اخراج کردن با هالوها که طرف نیستی اینطوری سرهم می باقی کنوم خیزش ما هشت ساله به چه مدرستایا گفتیم بگو مرگ بر آمریکا اما چند سال دیگه که اون بزرگ میشه به ریش ما میخنده میبینه آمریکا تو کشورشه و خیلی از کارهای مهم و صنایع بزرگ هم وابسته به اونه، تو فکر میکنی که اینا قادرند این خرابیا رو بدون کمک خارجی بسازند و خارجی هم که عاشق ریش و پشم ملاهای ما نیست هر قدمی که برداره، تورو دوقدم عقب میزنه تا جاشو حسابی بازکنه، خلاصه دوست عزیز از این مثالهای بچگانه زن که ژاپن بعد از جنگ پیشرفت کرد، پس ما هم پیشرفت خواهیم کرد، اگه اینطور باشه همه کشورهای عقب مانده دنیا برای پیشرفت و ترقی

سریه، هیچ خبرنگاری رو اونجا راه نمیدن خلاصه همه ریشه ماجرا اونجاست و خوب صحبتای خمینی روغناپ شده و سرمایه دارها هم که انگار موشونو آتیش زدن سر برنگه قیمتها رو دوباره بالا کشیدن، ۸ سال کشون بود، به ده سال دیگه هم لازمشونه تا حسابی رفق این مردمو بکشن، آخه خمینی سگ اوناس باید منافعشون رو نگاه داره اما برای طبقه پائین مثل گربه است و گربه صفت، دوست نیمه متوهم و نیمه حزب - اللهی، که تا این لحظه همچون دیگران همه صحبتها را با سرتائید میکرد در این موقع داغ کرده و خنلاب به دوست فوق گفت: تو اصلا بد دهنی همیشه اینچوری حرف میزنی. دوست فوق گفت مگه دروغ میگم؟ آخه بنده خدا بعد از ده سال و سه چهار بار اینور و آتور کردن دست آخر هم قانون کار ماهارو با یگانگی کردن اما وقتی بازاری ها و تجار محترم به دو روزی سر عایدیشان پائین میاد و اخم میکنن، آقا دست پاچه میشه و به زدی بفتح اونا میزنه، حتفا اینم به مصلحت اسلام و مسلمین بوده دیگه نه! تو تا کی میخوای خودتو به نفی میزنی، ول کن مثل بقیه شهاست داشته باش و واقعا آنچه رو می بینی قبول کن، نه حرفهای این کلاشها رو، کارگر دیگری گفت، ولش کن، اذیتش نکن خودش میبونه این رژیم نوچه سرمایه دارهاست ولی لابد به مصلحت اسلامه که فعلا چیزی نگه!؟ خنده بچهها...

### خود کرده را تدبیر نیست

بدنبال تشدید منازعات جناحهای حاکمیت که منجر به استعفای موسوی نخست وزیر و پیام توبیخ گونه خمینی بوی گردید، اجمالا نظر تیب های متفاوت جامعه ارسال میگردد. در صف نانوایی از پیرمردی که جلوی من ایستاده بود پرسیدم: میگن نخست وزیر میخواست استعفا بده، خامنای قبول نکرده، درسته؟ پیروید با بیحوصلگی گفت: اینا خیلی وقته با هم دعوا دارن مثل گارد و پنیند حالا که تو جبههها جنگ نیست، باید با هم بجنگند دیگه!

کارگر ساختمانی جوانی در این رابطه میگفت این پیرسگ (نخست وزیر) برای مردم هیچ کاری نکرد بجز اینکه گرونی روزبروز بیشتر شد، حالا که مثل خر مولده تو گل استعفا میده و خامنای هم زرنگه برای اینکه اونو بیشتر خراب کنه استعفاشو قبول نکرد، آخه با هم خیلی فندنا! یک ارتشی میگفت موسوی شدیدا طرفدار امامه جنگه و از اینکه داره صلح میشه سخت دلخور، اون تا حالا تو مشت رفسنجانی بود اما جحیدا با اونم مخالف شده و چون دید که هیچکوم از سران رژیم تحویلش نمیگیرن مجبور شد استعفا بده که خمینی هم حسابی ضایعش کرد!

یک بسیجی که مسلمان دو آتسه و طرفدار رسالتی ها بود میگفت: مرتیکه مزخرف برای ملت ناز میکنه اگه مردی وابستا در دوران صلح که خیلی سخت تر از زمان جنگه کار کن و امامه میداد که این هیچ چی بارش نیست یکی دو تا وزیر حرومزه. داره که از اونا خط میگیره اما دیگه فاتحه هممشون خولده است هی برای تظاهر داد مستضعف رو میزنه اما نمیدونه که وقتی اقتصاد جامعه خوابیده باشه مستضعف از همه بیشتر ضرر میکنه! کسی که ندانم کار و دست و پا چلفتی باشه که نمیتونه عراده این مملکت ویران رو بچرخونه.

### چاقو که دسته خودش را نمی پره

بدنبال صحبتای اخیر خمینی در جمع هیئت دولت پیرامون بازسازی و ضرورت فعالیت تجار محترم! و همچنین مساحبه بهزاد نبوی با کیهان در همین زمینه که ظاهرا بنظر میرسید مغایرتی نیز با مضمون صحبتای خمینی داشت بلافاصله در بازار نرخ اجناس شروع به ترقی نموده محیط کار ما کاملا متاثر از وضعیت فوق الذکر بحثهای جالبی داشت که شنیدنی است. سر میزناهار دوست کارگری گفت: قیمت طلا و دلار مجددا بالا رفته همه میکنن باخاطر مساحبه بهزاد نبوی بوده چون اون گفته نباید خوشبین باشیم که حالا حالاها صلح برقرار بشه و همچنین گفته که نباید در امر بازسازی ایزکشورهای دیگه کمک چندانیم بگیریم یا درها را بروی اجناس آنها باز کنیم و امامه داد که بنظر من حرفهای این الوندگ فقط به نفع سرمایه دارها توام شده و اونائی که تادبریز و پریوز میگفتند، فلان قدر ضرر دادیم چند میلیون از قیمت جنس هامون کم شده حالا با دشمن کردو میشکنند، دوست دیگری گفت صحبت های خمینی که گفت باید آماده باشیم، باید جبههها را مدام پرنگهداشت باعث بالا رفتن قیمت ماشین شده، بنگاههای ماشین که یکی دو ماه بود قسطی معامله میکردند دوباره با هجوم مردم برای خرید روبرو شدن، همه میکن قیمتها دوباره مثل اول خواهد شد. کارگر دیگری گفت از اولشم روشن بود که این رژیم نمی زاره بازاری و سرمایه دار ضرر بده چاقو که دسته خودشو نمی پره بهر قیمتی هم که شده به کتکشون میاد و به اصطلاح از این ورشکستگی ترونی که این روزها خیلی هاشون حرفشو میزنن نجاتشون میده، دوست گفت بنظر من قضیه از جاهای دیگه آب میخوره صحبتای ایران و عراق معلوم نیست سر چی گیر کرده اینا ترونی میکن لایروبی شط العرب موضوع صحبتها

تنها يك نشریه

برای هر ۲۶۰۰۰ دانشجوی ایرانی

"براساس آمار بدست آمده در سال ۱۹۸۵ در ۱۹۶ کشور جهان ۶۲ هزار ناشر بیش از ۷۰ هزار عنوان نشریه علمی و فنی را در ۵۶۰ موضوع کلی منتشر کرده‌اند. از سوی دیگر براساس عرف بین المللی هر دانشکده‌ای که شروع بکار میکند باید ۵۰ عنوان نشریه ادواری را مشترك شود. برای هر ۱۰۰ دانشجوی دوره لیسانس در کتابخانه دانشکده ۲۵ نشریه و برای دوره فوق لیسانس ۵۰ عنوان نشریه وجود داشته باشد. همچنین هر دانشکده در هر سال بایستی برای هر دانشجوی دوره لیسانس دو عنوان و برای دوره فوق لیسانس و دکترا سه عنوان کتاب جدید خریداری کند. وضع اسفناک اشتراك نشریات علمی و فنی دانشکده‌های ایران و پراکندگی و ناقص بودن مجموعه نشریات تخصصی در آنها از یکسوی و تولید بسیار پائین کتب و نشریات علمی از سوی دیگر، باعث شده است که عملاً برای هر ۴۵۰۰ دانشجو فقط يك عنوان کتاب جدید در سال منتشر و یا برای هر ۲۶۰۰۰ دانشجو تنها يك نشریه علمی و تخصصی در ایران انتشار یابد." (کیهان ۲۰ مهر ۶۷)

## خروش موسیقی اصیل ایرانی در آسمان تهران

پنجاه کسرت آواز ایرانی که ماه پیش با شرکت شجریان و شهرام ناظری در تهران اجرا گشت، تالار رودکی باردیگر شاهد خروش موسیقی ایرانی توسط گروه عارف و شیدا گردید. این دو برنامه که درسی سالها محرومیت موسیقی ایران و محدودیت موسیقیدانهای ایران صورت میگرفت با استقبال بینظیر مردم روبرو گردید. هجوم مردم برای ورود به سالن بحدی بود که همه روزه ازدحام فوق العاده‌ای در جلوی تالار بچشم می خورد. تمام شبها سالن ملو از جمعیت بود و همیشه تعداد بسیاری با موفق نشدن به تهیه بلیط محزون و نگران به خانه برمیگشتند. در بازار سیاه يك بلیط تا چندین هزار تومان خرید و فروش میشد. خلاصه اینکه استقبال بحدی بود که حتی رژیم مجبور به انعکاس آن در مطبوعات گشت.

## بازگشت فتودالها و دستگیری کشاورزان

همانطور که قبلاً نیز خیراترا در "پیام کارگر" آوردم، در پی بازپس گرفتن زمینهای مصادره شده از دهقانان در روستای سنگان تربت جام و واگذاری آن به فتودالها، طی يك درگیری بین اهالی این روستا و نیروهای انتظامی رژیم که بدفاع از فتودالها برخاسته بودند يك تن از کشاورزان کشته و چند تن مجروح شدند. بدنبال این درگیری دامسرای تربت جام حکم دستگیری دهقانان را صادر نموده و متعاقب آن ۲۷ کشاورز دستگیر و زندانی کردند. بنا به گزارش روزنامه کیهان ۲۶ مهر نامه دستگیریها همچنان ادامه دارد و چکه پوشان رژیم در تعقیب کشاورزان متواری هستند تا برای ارضای خاطر فتودالها و توهینی که به ساخت پاکستان روا شده، دهقانان را به قتل و زنجیر و زندان بکشاند.

## حمایت از بخش خصوصی در امر کشاورزی

در پی "شركت دادن وسیع مردم در کارها" سرانجام مسئولان رژیم تصمیم گرفتند که بخش کشاورزی را نیز در اختیار "مردم" قرار دهند و بدنبال این تصمیم گیری وزیر کشاورزی اعلام کرد که "وزارت کشاورزی از سرمایه گذاری بخش خصوصی و بانکها در زمینهای مختلف کشاورزی حمایت میکند" (کیهان هوائی ۲۷ مهر)، وی گفت که این امر در ایجاد دامپروریها و همچنین منابع طبیعی نیز صادق است. هنوز دو هفته از اعلام این خبر نگذشته بود که باردیگر وزیر کشاورزی اعلام نمود که "در امر بازسازی کشاورزی اولویت به استفاده از امکانات و سرمایه‌های مردمی داده شده است و در این راه هیچگونه مشکلی وجود ندارد و بخش خصوصی با خیال راحت میتواند بدون هیچگونه مانعی در امر کشاورزی سرمایه گذاری کند که در این راه وزارت کشاورزی حمایت‌های لازم را بعمل خواهد آورد" (کیهان ۹ آبان ۶۷)

## مبادله اسرا بین ایران و عراق

در حالیکه ایران مبادله تمام ۱۰ هزار اسیر جنگی بین دو کشور را رد میکند و قبل از آن بازگشت بهسرهای بین المللی را می طلبد، دولت عراق موافقت اصولی خود را با مبادله کلیه اسرا اعلام نموده است. تاکنون تنها تعدادی از معلولین و مجروحین جنگی دو کشور با وساطت ترکیه مبادله شده‌اند.

## چند خبر کوتاه

• طبق قراردادی که بین ایران و پاکستان منعقد گردید، دو کشور متعهد شدند که "اشرار و مجرمین طبق قوانین استرداد مرزی" به یکدیگر تحول داده شوند. این قرارداد که بشارتی معاون وزارت امور خارجه از طرف رژیم ایران و صاحب زاده یعقوب خان وزیر امور خارجه پاکستان امضا کردند، در شرایطی صورت میگیرد که رژیم پاکستان هر روز بر فشار خویش بر آوارگان ایرانی در پاکستان با کله رژیم ایران می افزاید.

• رئیس اداره گزنامه ایران اعلام نمود که رژیم تصمیم گرفته است با استقرار کامپیوترها در مرزها و ادارهای گزنامه از خروج افرادی که اسامی شان توسط "مراجعات قضائی" در اختیار آنها قرار گرفته است جلوگیری نماید.

با کمک های مالی خود

سازمان را در امر مبارزه

انقلابی یاری رسانید

## برنامه‌های "بازسازی" در برابرهم

وقایعی که در بین حکومتیان میگذرد و اختلافات حادی که بر سر "بازسازی" ایجاد شده، براحتی چشم انداز شقه شدن دستگاه حکومتی را در معرفی دید می گذارد.

در تاریخ ۲۴ مه‌ماه ۶۷ مجلس فقها برنامه اول ۵ ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور را در شور اول تصویب کرده. این برنامه چنانکه از نامش پیداست شامل همه امور مربوط به توسعه ساختن کشور است و بعبارت دیگر میتواند همان برنامه باز سازی کشور تلقی شود. تصویب این برنامه اما در حالیکه که خبثی جمعی مرکب از چهار نفر - رئیس جمهور، رئیس مجلس، رئیس قوه قضائی و نخست وزیر - را مسئول تعیین سیاستهای توسعه کشور نموده است. بهمین علت بود که صفائی نماینده کرمانشاه در مورد ارائه این برنامه از جانب کمیسیون برنامه و بودجه مجلس برای تصویب، تذکر آئین نامه‌ای داد و در بخشی از گفتار خود گفت: "این لایحه‌ای که تصویر کلی از نظام می باشد، ۰۰۰ و با این عجله و بدون رعایت نظر کمیسیون های فزعی ۰۰۰ و خصوصاً این مسئولیتی که امام به مسئولین قوای مختلف ملکت دادند که امر بازسازی و برنامه‌ریزی را بعهده داشته باشند، این کار لطمه کلی به نظام و کشور میزند. عجلای که صفائی از آن یاد میکند، در حقیقت مُدحله‌ای است که مجلس در تقابل با کار گزارنده شدن خود از تعیین سیاست گزاریهای کشور از خود بریزد. مجمع تعیین شده از جانب خمینی را با عمل انجام شده روبرو کند. بموازات این تلاشها مجمع چهار نفره تصمیم گیری برای بازسازی هم بکار خود ادامه دانه و يك تشکیلات مفصل مرکب از کمیتهای تخصصی برای تهیه و تدوین برنامه بپا کرده است که تحت نظر شورای سیاستگزاری بازسازی عمل میکنند. آنکه این مجمع کسی را برای ریاست کمیتهای خود انتخاب کرد که در انتخابات دوره سوم از مجلس رانده شد. این شخصی در پی نجف آبادی، از نزدیکان خامنه‌ای و مورد خشم جناح "تندرو" دولت و مجلس است.

در تاریخ ۲۷ مه‌ماه همین شورای سیاستگزاری بازسازی قیمت گذاری و ورود پنج قلم کالا (ران مرغ، شکر، لاستیک، وسائل یدکی ماشین و تجهیزات پزشکی) از خارج توسط بخش خصوصی را آزاد کرد. اما دولت و دستگاه اجرائی در راه عمل کردن به این تصمیم سنگ اندازی میکنند - تا جائیکه فریاد یکی از نمایندگان مجلس، رنجبر، که طرفدار خط بازسازی است بلند میشود که: "۰۰۰ اما بحث اینجاست که عطای اخیراً در گوشه و کنار زمره سر می‌دهند مبنی بر اینکه جایگاه این شورا (منظور شورای سیاستگزاری بازسازی) در قانون اساسی کجاست و وجود چنین شوراهائی را تضعیف مجلس و دولت میدانند و دلالی هم از قانون اساسی برای بی اعتبار جلوه دادن شورا و فعالیتهای آن می آورند و اولین حرکت شورای بازسازی کشور که آزادی پنج قلم کالای مورد نیاز مردم مسلمان ایران را توسط بخش خصوصی ۰۰۰ عملاً بایکوت کرده‌اند. "سپس از" دارندگان این طرز تفکر که معتقدند با بوجد آمدن شورای سیاستگزاری بازسازی که بقیه در صفحه ۱۵

سزنگون باد جمهوری اسلامی! برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

اسرائیل

● در انتخابات اسرائیل، بلوک احزاب راست و مذهبی که هنوز موفق به شکل دادن به يك ائتلاف نشدند اکثریت آرا را بدست آوردند. دو حزب بزرگ اسرائیل، لیکود و معاریف هر کدام حدود ۴۰ کرسی را بدست آورده و در صورتیکه نخواهند به سیاست ائتلاف با یکدیگر ادامه دهند می بایست با احزاب مذهبی ائتلاف کنند. در این زمینه با توجه به همکاری بین لیکود و احزاب فوق، احتمال تشکیل دولت ائتلاف با ایسین احزاب وجود دارد که در زمینه این ائتلاف سیاست ضعیفی و ضد فلسطینی و گرایشات میلیتاریستی در اسرائیل تقویت شده و حتی احتمال رانده شدن فلسطینی ها به کشورهای عربی همسایه اسرائیل و ضمیمه شدن رسمی سرزمینهای اشغالی نیز وجود دارد.

شوروی

● بر طبق گزارشات مطبوعات این کشور، سیاست دولت شوروی در مورد مسئله خلقها در آینده بر مبنای توجه بیشتر به خواستههای آنها و برآورده کردن این خواستهها تنظیم میشود. بر اساس آنچه که در روزنامههای شوروی آمده است، احتمالا اقلیت های آلمانی و تاتار بزودی جمهوریها و یا مناطق خودمختار خود را که در دوره جنگ جهانی دوم از دست دادند دوباره خواهند داشت. همچنین منطقه قرصاغ از آذربایجان جدا شده و موقتاً ضمیمه جمهوری فدراتیو شوروی خواهد شد که احیاناً بعنتر به جمهوری ارمنستان الحاق می شود.

لبنان

● پس از ماهها درگیریهای پراکنده بین اهل و حزب الله، این دو گروه با مبادله اسرا بین خود، تلاش می کنند که از درگیریها که بر سر تسلط بر مناطق شیعه نشین است اجتناب کنند. نزدیکی دو گروه فوق در شرایطی صورت میگیرد که حملات هوایی ارتش اسرائیل به مواضع فلسطینیان و نیز هجومهای دست نشانندگان این کشور در جنوب لبنان افزایش محسوسی یافته است. در آخرین حملات هوایی اسرائیل، هلیکوپترهای این کشور اردوگاه عین الحیلوه و مواضع رزمندگان فلسطین در این اردوگاه را با راکت مورد حمله قرار دادند.

انگلستان

● بدنبال اعلام تصمیم دولت انگلستان درباره اعمال سانسور نمرود اخبار مربوط به "گروههای تروریست" (ارتش جمهوریخواه ایرلند) بسیاری از خبرنگاران انگلیسی و از جمله کارکنان BBC اقدام به اعتراض و از جمله اعتصاب يك روزه نمودند.

ترکیه

● پلیس ترکیه تعدادی از نمایندگان پارلمان یکی از استانهای آلمان را که در دادگاه فرمایشی عدلی از فعالین یکی از سازمانهای چپ بعنوان ناظر و معترض شرکت کرده بودند دستگیر نموده و مورد ضرب و شتم قرار داده است. این افراد که متعلق به احزاب سوسیال دموکرات و سبزها هستند پس از دستگیری و با دخالت سفارت آلمان در ترکیه آزاد شدند.

افغانستان

● در حالیکه بر طبق ارزیابی منابع اطلاعاتی و دیپلماتیک غربی، تثبیت دولت فعلی کابل و ائتلاف وی با جریانات عرفی بوزواری، شانس ناچیزی برای مجاهدین افغانی باقی گذاشته است، سفیر شوروی در افغانستان یکبار دیگر تهدید کرد که در صورت ادامه کجکهای نظامی آمریکا و پاکستان به مجاهدین افغانی، شوروی تعهدی در مقابل عهدنامه ژنو نخواهد داشت. خروج سربازان شوروی در ماههای اخیر قطع شده و این اقدام از سوی دولت های آمریکا و چین مورد انتقاد قرار گرفته است. اما دولت شوروی بدلیل ادامه ارسال اسلحه برای مجاهدین و حتی شرکت مستقیم کارشناسان آمریکایی در نبردها که در يك مورد به دستگیری چند نفر از آنها منجر شده است - ضمن مجهز نمودن ارتش افغانستان با سلاحهای مدرن و از جمله راکت های اسکود و میگای ۲۷، هرگونه اقدام دیگر از سوی خود را منوط به وفاداری غرب به موافقت نامه ژنو نموده است.

محدودیت های بیشتر علیه پناهندگان

آلمان فدرال

● نخست وزیر بادن ورتم برگ (یکی از ایالات آلمان غربی) "Lothar Spät" در يك جلسه مشترك از حزب دست راستی دمکرات مسیحی CDU و پلیس در سنت لئون روت گفت که فقط با تغییر قوانین اساسی، دولت آلمان غربی میتواند با مشکل بزرگ یعنی طوفان فراریان که دائماً به این سو می وزد، مقابله کند. وی ادامه داد که اسامی به تنهایی در این ایالت ۲۵۰ میلیون مارک برای مسکن پناهندگان خرج شده است و مخارج همینطور روز بروز بیشتر میشود. رهبران احزاب دست راستی معتقدند که قوانین اساسی در آلمان نیز باید با سایر کشورهای اروپایی تطبیق کند. بعد از این تطبیق امکان ندارد که در فرانسه اگر پناهندهای رد شد، بتواند شانس خود را در آلمان غربی آزمایش کند. علاوه بر آن پلیس باید همیشه در مرزها آماده باشد که پناهندگانی را که رد شده اند، پس بفرستد. طبق نظر این حزب جریان رسیدگی به امور پناهندگی باید کوتاهتر شده و شرایط پس فرستادن سهل تر شود. افزایش فشار و مقدمات محدود کننده پناهندگان

در همین شماره نشریه آمده جریان ارتجاعی روبه رشدی است که از طرف دولت آلمان فدرال، پس از شروع آتش بس در جنگ ایران و عراق و عقد قراردادهای پرسود اقتصادی این دولت با جمهوری اسلامی "پیگیرانه" دنبال میشود.

توطئه پلیس آلمان علیه فلسطینی ها

● از اواسط هفته گذشته، پلیس آلمان طی يك یورش همه جانبه در تمامی شهرهای این کشور اقدام به دستگیری تعدادی فلسطینی نموده. طبق گفته مقامات پلیس واداستانی کل تعداد دستگیر شدگان ۱۵ نفر می باشد. تا روز شنبه مورخ ۸۸/۱۰/۲۹ تنها ۴ نفر از بازداشت شدگان هنوز در زندان بسر میبرند و بقیه آزاد شده بودند. هویت بازداشت شدگان برای مقامات مسئول PLD ناشناخته است. دادستانی طی يك اطلاعیه مدعی شده است که از دستگیر شدگان مقدار معتدایی مواد اولیه ساخت نارنجک و اسلحه بدست آمده است. یکی از دستگیر شدگان بنام "ابو واحد بصام" از مسئولین PLD و اتحادیه کارگران فلسطینی در هامبورگ میباشد.

در روز ۸۸/۱۰/۲۹ وی در يك کنفرانس مطبوعاتی علل این یورش را بشرح زیر توضیح داد:

مسارزات ما وارد فاز يك انقلاب همگانی تودنای گشته که ضمن پیروزی آن شرکت فعال میلیونها نفر میباشد. بعد تودنای مبارزه مانند هر مبارزه توده ای دیگر همگامی و مسپاتی رو به افزایشی در سطح بین المللی را بدنبال خود آورده است و این آن مسئله ای است که جهان سرمایه داری را به وحدت عمل و توطئه چینی مشترك علیه انقلاب فلسطین وامیبارد. هدف اصلی این توطئه جهانی علیه انقلاب فلسطین تحمیل ایزولاسیون و انفراد به انقلاب و قطع حمایت بین المللی از آن میباشد.

امریالیست ها این نقشه شوم را از طریق ایجاد بلوکهای تروریستی به پیش میبرند. ماجرای بمب گذاری ها در پاریس، و دستگیری های اخیر همه اشکال مختلفی از این توطئه هستند. همه این اعمال با هدف تروریست قلمداد کردن انقلابیون فلسطین به اجرا درمی آید. دستگیری ما درست در آستانه اولین سالگرد قیام مردم مناطق اشغالی با این اتهام که از منازل ما اسلحه و مهمات کشف شده حلقهای از این زنجیره توطئه ها است که مطمئناً تنها آغاز آن میباشد. ما حدس میزنیم که بزودی اعمال توطئه گرانه دیگری برای ملوث کردن مبارزات ما طرح و اجرا خواهند شد. از مدتها قبل من متوجه تعقیب خود بودم آنها حتی پسر ۹ ساله من (احد) را در راه مدرسه تعقیب میکردند. سوالات آنها در طی بازداشت همگی گواهی است بر این مصداق آنها حتی ساعات دقیق تردد من به اداره کار، محل کار، شرکت در سمینار کفن و غیره و غیره را می دانستند. آنها میدانند که من يك فرد سیاسی شناخته شده ای هستم که از سالها پیش در رابطه PLD فعال هستم و مراقب کوچکترین حرکات خود میباشم و با تروریسم مرز کاملاً روشنی دارم. آنها با این اتهام میخواهند افکار عمومی را از ما بترسانند، مسپاتی آنها را محدود سازند و انقلاب کنند.

## انتخابات آمریکا، تجارت مثل همیشه!

انتخابات ریاست جمهوری آمریکا وارد آخرین مراحل خود شده و تا انتشار این مقاله قطعاً خوانندگان نشریه ما از نتیجه نهائی آن بی خبر نخواهند بود. این نتیجه اما هرچه که باشد انتخاب چپل و یکمین رئیس جمهور آمریکا در آخرین دور خود گرچه کم و بیش به سیاق گذشته یعنی بیزنق و برق و با مضمون سیاسی شدت نازل برگزار میشود اما دارای اهمیت خاصی است. این اهمیت قطعاً نه بعلت کیفیت سیاسی احزاب و کاندیداها بلکه بواسطه وضعیت بین المللی و داخلی است که امپریالیزم آمریکا با آن روبروست. این وضعیت کدام است.

انتخاب ریگان بعنوان نماینده راست نوین و حامی سرسخت مجتمع نظامی - صنعتی آمریکا در وضعیتی صورت گرفت که امپریالیزم آمریکا با یک سلسله شکستهای سیاسی پی در پی مواجه شده بود. انقلاب ایران و انقلاب در نیکاراگوئه خفت و درماندگی دولت کارتر در رودرویی با این تحولات که در آخرین سال حکومت وی و در ماجرای اشغال سفارت این کشور و در تهران برجسته شده بود و نیز توانمندی اقتصادی ژاپن و اروپا که سرکردگی سیاسی و اقتصادی آمریکا را مورد سوال قرار میداد همه موجب شد که راست نوین با اعلام سیاست باجگیری سیاسی و نظامی آشکار، دور جدیدی از جنگ سرد و میلیتاریسم در صحنه بین المللی را به راه تعرض همه جانبه به سطح زندگی زحمتکشان آمریکائی به هدف بیرون بردن اقتصاد آمریکا از بحران بعنوان آماجهای اصلی تعرض آغاز کند. در اجرای سیاست جنگ سرد و شتاب دادن به میلیتاریسم دولت ریگان ضمن کسب موفقیت نسبی در سالهای آخر مجبور شد که یک رشته عقب نشینیها را بویژه در مورد مسئله خلع سلاح اتمی و امنیت بین المللی بپذیرد. این سیاست در مورد نهضت های رها نیکویش و دول سوسیالیست و انقلابی موفق شد که پیشروی این نیروها را کند کرده و یا متوقف کند اما نتوانست به هدف اصلی خود یعنی باز یافتن موقعیت پیشین و سرنگونی دول انقلابی در نیکاراگوئه، آنگولا و موزامبیک دست یابد. بنابراین در زمینه سیاست بین المللی خطاست اگر کارنامه دولت ریگان را سراسر شکست و عقب نشینی ارزیابی کنیم، همانطور که باید این حقیقت را مورد تاکید قرار دهیم که سیاست ریگان نتوانست تغییری کیفی در موازنه قوای بین المللی به سود امپریالیزم ایجاد کند اما قطعاً روند بیم خوردن موازنه قوا به زیان امپریالیزم را با کندی بیشتری مواجه ساخته با توجه به این ارزیابی عمومی است که میتوان گرفتار آمدن وین بست دیپلماسی وزارت خارجه آمریکا در مقابل بله با انقلاب نیکاراگوئه و در مواجهه با دیپلماسی درخشان و چالاک دولت ساندریست و یا امضای قرارداد برجیدن موشکهای میان برد با شوروی را مورد بررسی دقیق تر قرار داد.

سیاستهای اقتصادی دولت ریگان و راست نوین در هدف اولیه خود یعنی شتاب دادن به روند دور نوینی از انباشت سرمایه با انکاب میلیتاریسم و تعرض به سطح معیشت زحمتکشان آمریکا و تعمیق مناسبات نواستعماری در روابط با کشورهای "جهان سوم" نیز علیرغم عقب نشینی های معینی در مجموع به پیش رفته است. اقتصاد آمریکا و اقتصاد سرمایه داری جهانی علیرغم ضربات ناشی از بحران ناشی از بحران بازار بورس در اکتبر ۱۹۸۷، وارد رونق جدیدی شدند که حتی اگر کوتاه مدت باشد، باز نتایج سیاسی کوتاه مدت آن برفع جریان های راست و محافظه کار تمام شده است. در این مورد تنها نگر این نکته کافی است که هجدهمین آمریکا با پایین ترین درصد بیکاری در سالهای اخیر (کمتر از ۶٪) روبرو بوده و انگلستان حتی در مناطقی که بدلیل تغییر ساخت صنعت نرخ بیکاری شدت بالا بوده است، این نرخ در حال تنزل چشمگیر میباشد. در مجموع باید گفت که تعرض راست نوین در زمینه های بسیاری با موفقیت ولو کوتاه مدت و پائین تر از اهداف این تعرض همراه بوده است.

با توجه به مقدمه فوق انتخابات ریاست جمهوری آمریکا از نقطه نظر هر دو جناح امپریالیزم می بایست به تحکیم وضعیت سیاسی و اقتصادی آمریکا، یعنی تحکیم مستاوردهای ریگانیزم یاری برساند و این بر سبب آنست که حزب دمکرات از شیوه خاصی که مثلا جسی جکسون در مخاطب قرار دادن زحمتکشان آمریکائی، سیاهان و سایر اقلیتهای نژادی بکار میرسد دچار نگرانی و آشفتگی شده و یا طرحهای تسلیحاتی نوینی را ارائه داده و در عین حال در ادامه سیاست گانگستریسم و باجگیری در عرصه بین المللی ابائی ندارد. اختلافات حزب دمکرات و ظهور جسی جکسون در عین حال بیانگر یکی از نقاط افتراق مهم انتخابات آمریکا نسبت به انتخابات سالهای قبل تر و از آن مهمتر بیانگر پدیده نوینی است که تاکنون در جامعه آمریکا کم سابقه بوده است. اگر راست نوین پس از موفقیت نسبی در زمینه راندناری اقتصاد آمریکا، موفقیتی که به بهای فلابکت، بیکارسازیهای وسیع و تعرض به نیروهای دموکراتیک جامعه بدست آمده است حاضر نیست سهمیه ناچیزی از این رونق را در اختیار انتشار کم درآمد بگذارد، اگر این سیاست حاضر نیست که به بربریت ملن در کشور میلیونها بی خانمانی که برای دریافت سوپ در مقابل کلیساها صف میکشند، ظاهر

انسانی و متعفن بدهد و مثلا انکی از بودجه نظامی را صرف هزینه های اجتماعی بکند، حزب دمکرات نیز در جای خود از مطالب قرار گرفتن کارگران و اقشار کم درآمد، دهقانان ورشکسته و اقلیتهای نژادی از سوی جکسون دچار سراسیمگی میشود. این سراسیمگی از آن روست که آمریکا دیگر، آمریکای میلیونها لگد مال شده، تحقیر شده و تحمق شده، آمریکای دهقانان سفید پوست فقیر، کارگرانی که "ناظر پلانه به گاهش دستمزد خود رای میدهند، زنانی که در معرض ضدانسانی ترین و بیشرمانه ترین و کالاشی ترین بهره برداری و سواستفاده جنسی و شیوانی قرار میگیرند، آمریکای سرخپوستانی که عملا از حق حیات محرومند و آمریکای بی خانمانها و صف های طولیل سوپ و دریک کلام آمریکائی که با کنار زدن بزرگ متبوع تبلیغاتی می رود که چهره خود را بشناسد، در آن دقیق شود و برعلت شوربختی خود واقف شود، سرچشمه اصلی خطر برای آمریکای "رقابت آزاد" و "رویای آمریکائی"، آمریکای شورونیزم ملی و آمریکای ثروتمندان و تبهکاران متعفن میباشد. آری انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، آغاز دوره نوینی از بخود آمدن توده های وسیعی که هرگز در انتخابات شرکت نمی کنند و امثال ریگان، بوش و یا دوکاکیز در بهترین حالت نماینده کتر از یک سوم آرا" تحمق شده آنها هستند را بشارت میدهد و حزب دموکرات آمریکا به واسطه وقوف بر این پدیده است که با تاکید از ضرورت مبارزه با فقر و سایر بیماریهای جامعه آمریکا یاد کرده و اصلاحات اجتماعی معینی نظیر بیمه دولتی، تهیه مسکن به کمک دولت، افزایش حداقل دستمزد و... را در برنامه خود می گنجد.

خودبیزگی انتخابات آمریکا به لحاظ جنبه داخلی آن از زاویه دیگری نیز می باید مورد بررسی قرار گیرد. این انتخابات همانطور که گفتیم از جانب هر دو حزب - منهای پدیده جسی جکسون - بشیوه همیشه، یعنی فروشی کاندیداها و برنامه های آنها بشیوه تبلیغاتی صورت گرفت و از آنجا که این کارزار تبلیغاتی در نقطه عطفی صورت میگیرد که



بخشهای بزرگی از مردم آمریکا سهم خود را از رونق اقتصادی طلبیده و دیگر حاضر به پذیرش عقب نشینی های تحمیل شده از سوی ریگانیزم نیستند، بناچار بیش از هر زمان دیگر مضمون عوامفریبانه تبلیغاتی و میان تپی می یابد. اعتراضات گسترده مطبوعات آمریکا به این شیوه که از سوی حزب جمهوریخواه با شدت و وقاحت بیشتری بکار گرفته شد، در هفته های پایانی انتخابات اوج گرفته و نشان داد که بخشهای بزرگی از رای دهندگان آمریکائی به محتوای ضددمکراتیک انتخابات فوق واقف میشوند. اگر توجه کنیم که در بهترین حالت در آمریکا کمی بیش از نیمی از دارندگان حق رای در انتخابات شرکت میکنند و بقیه منتهاست که هرگونه امیدی را به تحول و تغییر از این راه از دست ندهند، آنگاه در می یابیم که اکثریت ضعیفی که در انتخابات شرکت میکنند چگونه بحران نظام سیاسی دموکراسی میان تپی آمریکائی در مرحله فعلی و نقش خود را بعنوان توده بیشکل رای دهنده با بیان ناراضیاتی خود از هر دو کاندیدا و شیوه پیش بردن کارزار انتخاباتی از سوی آنها، خوبی بیان میکنند. این بیان از سوی پارهای از مفسرین خبری و نویسندگان مطبوعات آمریکا به این صورت فرموله شده است:

فروش پستیهای مهم دولتی برای مقام ریاست جمهوری مبلغ ۵ میلیارد دلار پیشنهاد شده است که میتواند کمک موثری به کسری بودجه این کشور باشد. ما تصور میکنیم که پیشنهاد فوق با روح پراگماتیسم تاجرمنشانه آمریکائی که در این مورد بویژه سرشار از واقع - گرایی است، انطباق ندارد!

سوئیس — برن

اعتراضی کانون پناهندگان به

وضعیت بد پناهندگان

کانون پناهندگان برن نسبت به شرایط بد پناهندگان در سوئیس اقدامات اعتراضی سازمان داده است. کانون فوق طی تلفنگرام زیر به سازمان ما درخواست انعکاس وضعیت پناهندگان و اقدامات خود را کرده است. ما ضمن پشتیبانی از پناهندگان مقیم سوئیس مراتب را به اطلاع خوانندگان خود میرسانیم.

از کانون پناهندگان ایرانی سوئیس (زوریخ)

دوستان عزیز سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

از آنجائیکه متقاضیان پناهندگی در سوئیس از محدودیتهای شدیدی در حقوق اجتماعی شان (کار — مسکن، تحصیلات و غیره) رنج میبرند و بمنوان يك انسان درجه ۲ بشمار میروند، کانون پناهندگان ایرانی مستقر در سوئیس جهت مشخص نمودن وضعیت بلاتکلیفی برخی از اعضای خود که مدت زیادی و بعضا چندین سال در انتظار جواب تقاضای پناهندگی خویش می باشند همانند حرکت موفقیت آمیز سال گذشته خود از روز سمنبه ۸۸/۱۰/۲۵ حرکتی جهت نیل به اهداف خود آغاز نموده است.

پس از نشست دو روزه کلیه اعضا به همراه خانواده های خود در دادگاه (برن) به دلیل عدم دریافت پاسخی منطقی در مذاکرات بعمل آمده با مسئولین، کانون تصمیم دارد از امروز جمعه ۸۸/۱۰/۲۸ بایرگزارى صاحب مطبوعاتی و آکسیون اعتراضی خود را آغاز نماید. ما از شما انتظار داریم که با توجه به عدم وابستگی کانون به هرگونه جریان سیاسی، برعایت اصول دمکراتیک، صدای حق طلبانه ما را بگوش مردم جهان و کلیه سازمانهای بین المللی و مدافع حقوق بشر برسانید. با تشکر از همکاری و حمایت شما

کانون پناهندگان ایرانی سوئیس (زوریخ)

۸۸/۱۰/۲۸

کوئتنبرگ — سوئد

نمایشگاه ضد جنگ و افشای صلح طلبی کاذب رژیم اسلامی

روز شنبه ۸ اکتبر رفتای ما در شهر کوئتنبرگ سوئد بمناسبت سالروز آغاز جنگ ایران و عراق نمایشگاه عکسی از فجایع و جنایات جنگی رژیم جمهوری اسلامی برپا کردند و در بین تماشاگران و رهگذران سوئدی اعلامیهائی را بزبان فارسی و سوئدی پخش نمودند و در آنها ماهیت ارتجاعی و جنگ طلب رژیم جمهوری اسلامی را فاش نموده و با تبلیغات ترویجی صلح خواهی رژیم که قصد بازسازی مجدد ماشین جنگی و دولتی خود را دارد، مقابله نمودند و از مردم سوئد خواستند که فریب تبلیغات رژیم اسلامی را نخورند چرا که هم اکنون روزانه دهها زندانی تیرباران شده و صدها زندانی دیگر زیر شکنجه و اعدام قرار دارند رژیم قصد دارد شرایط صلح مسلح را ادامه داده و با کمک کشورهای غربی ارتش، پلیس و سپاه پاسداران خود را با سلاحهای مدرنتر مجهز نماید. رفتای ما همچنین خواستند که آنها به دولت خودشان در بازسازی ارگانهای سرکوب رژیم اسلامی اعتراضی نمایند.

اعتراضی علیه اعدام زندانیان سیاسی

کراچی



فریادهای خود برای آزادی زندانیان سیاسی قورمان و علیه جنایت دولتهای قبرس و ترکیه که پناهندگان ایرانی را به دولت ایران فروختند، اعتراضی کردند، بلکه گوشهای سنگین جوامع باصطلاح بین المللی و حقوق بشر به ارتعاش درآید تا به وظیفه خود عمل کنند. علیرغم تهدیدات و فشارهای نمایندگی سازمان ملل در کراچی منی بر قطع کارت پناهندگان و بویژه پناهندگان بلوچ و کرسنگی ندادن به آنها آوارگان ایرانی با کرد آمدن دور تشکلهای دمکراتیک خود، تسلیم این فشارها نشده و نخواهند شد. عکس فوق تظاهرات در مقابل درب نمایندگی سازمان ملل را نشان میدهد.

شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی در کراچی و کمیته پناهندگان بلوچ ایرانی که اخیرا تشکیل شده است در تاریخ ۱۰ سپتامبر دست در نست هم تظاهرات با شکوهی را در مقابل دفتر نمایندگی سازمان ملل در کراچی، علیه موج اعدام زندانیان سیاسی توسط رژیم جلااد اسلامی و همچنین علیه تحویل عده زیادی از آوارگان ایرانی توسط دولتهای قبرس و ترکیه به جمهوری اسلامی ایران، برپا کردند. در این حرکت حدود ۱۵۰ تن از پناهندگان و آوارگان ایرانی که خود در وضعیتی مشابه آوارگان ایرانی در ترکیه بسر میبرند و مدام در خطر، اخراج، ترویر و کرسنگی هستند، شرکت نمودند و با

تظاهرات پناهندگان بلوچ ایرانی در کراچی

تشکیل کمیته مزبور و سیاستهای سرکوبگرانه دفتر سازمان ملل پرداخته و به ضرورت همبستگی و مبارزه متحدانه برای خواستههای بلاواسطه آوارگان ایرانی تاکید کرد. مسئول جدید دفتر نمایندگی سازمان ملل علیرغم ابراز تشکر از حضور پناهندگان و طرح مطالباتشان تا کتون اقدام موثری برای رفع تبعیض علیه پناهندگان بلوچ نکرده است. در پایان حرکت شعار پرطنین "مرگ بر خمینی" که به مثابه قطبنامه پایانی حرکت اعتراضی از سوی شرکت کنندگان داده شد، تاکید میجد بود بر سبب اصلی درگیری و آوارگی ایرانیان در پاکستان و سایر کشورها.

همانطوریکه ما قبلا بارها در پیام کارگر راجع به شرایط آوارگی پناهندگان ایرانی در کراچی گزارش دادیم، پناهندگان ایرانی بلوچ تحت فشار مضاعف قرار ناورند. دفتر نمایندگی سازمان ملل در کراچی با استدلالی مشابه دلایل استعمارگران کهنکار انگلیسی معتقد است که پناهندگان ایرانی بلوچ میتوانند در جمعیت بلوچ پاکستان مستحیل گردند و احتیاج به کمک هزینه زندگی ندارند. از این رو از دو سال قبل شروع به قطع کارت پناهندگی آنان کرده است که حالا حدود ۲۰۰ تن از آوارگان بلوچ ایرانی در شرایط نداری مطلق قرار دارند و اگر کمک سایر ایرانیان پناهنده به آنها که از اندک جیره خود می پردازند نباشد، فاجعه مرگ از کرسنگی آنان راهت دیدمیکند. برای مقابله با این سیاست غیرانسانی و فشارهای قومی دفتر مزبور چند ماه پیش آوارگان بلوچ شکل دفاعی خود را تحت نام کمیته پناهندگان و آوارگان بلوچ ایرانی تشکیل دادند. که تا بحال این شکل اقدامات دفاعی متعددی را سازمان داده است. اخیرا نیز در تاریخ ۱۹ اکتبر ۸۸ همین کمیته، پناهندگان و آوارگان بلوچ ایرانی را برای اعتراضی به اعمال سرکوبگرانه دفتر سازمان ملل فراخواند. حدود ۱۰۰ تن از آوارگان ایرانی در این حرکت اعتراضی شرکت کردند و با خود پلاکارتهائی را با شعارهای "حق پناهندگی برای پناهندگان بلوچ" و "پذیرش امنیت، مهاجرت سه خواست اصلی ماست" و... عمل نمودند. آکسیون اعتراضی که در مقابل دفتر سازمان ملل برپا گردیده بود، با سخنان یکی از اعضا کمیته پناهندگان و آوارگان بلوچ ایرانی آغاز گردید. وی به تشریح علل

برای نجات جان زندانیان سیاسی متحدآبیا خیزید!

بنظرم دفاع از جان زندانیان سیاسی و اعتراضی به کشتار و شکنجه در ایران و افشای جنایات رژیم جمهوری اسلامی تمهاتی از تشکلهای دمکراتیک و تشکلهای هوادار سازمانهای دمکرات و انقلابی، آکسیونهای اعتراضی در نقاط مختلف شهر وین (اتریش) تدارک دیدند. اولین آکسیون در تاریخ شنبه ۵ نوامبر برگزار شد. برگزاری این آکسیون تا ۱۷ نوامبر ادامه خواهد داشت. در تاریخ ۲۶ نوامبر تظاهرات اعتراضی بهین منظور برپا میشود. و در تاریخ دوشنبه پنجم دسامبر شب همبستگی با زندانیان سیاسی با برنامههای مختلف از قبیل گزارش زندان، موسیقی و تئاتر و... برگزار خواهد گردید.



ادامه از صفحه ۳

## پرامون فعالیت بین‌المللی ما

افتخاند، نیروهای که نه از قدرت طبقه ریشه میگرد  
و نه منافع آنها را نمایندگی میکنند!

سوم، جهت گیری در ارتباط: در این مورد جز  
رعایت الویت ایندولویک - سیاسی در ارتباط با احزاب  
و جنبش ها، دو ملاحظه مهم مورد نظرند. اول  
تلاشهای ما در درجه اول باید معطوف به ارتباط گیری  
با جنبشهای تودهای و با نیروهای باشد که در جنبش  
کارگری و دمکراتیک تاثیرگذار هستند. ثانیا تلاش ما باید  
با هدف پشتیبانی و تقویت جریان رادیکال در این  
جنبش ها باشد. برای تقویت جریان رادیکال در جنبش  
های تودهای ارائه رهنمود و شعارهای مناسب نیاز به  
بررسی همه جانبه و شناخت از موقعیت و توازن قوای  
مشخی دارد، عمل شتابزده در این مورد و بیان فرمولهای  
کلی و بظاهر رادیکال جز نقض غرض و تجلی سادسازی  
نخواهد بود. ارتباط گیری با تودهها و با جریانها  
وسیع تودهای در ابتدا با مشکلات موانعی روبروست. به  
این لحاظ تمایل و گرایش به ارتباط گیری سهل و  
آسان ممکن است ما را به برقراری رابطه با محافل و  
گروههای کوچک که مواضع رادیکالی هم داشته و اما خود  
چندان توده کارگری حرکت میکنند در حین حال تمایل  
به رابطه گیری فعال با دیگران دارند، محدود نماید.  
علیرغم آنکه تمایل به برقراری رابطه با چنین محافل و  
گروهها بجا و صحیح است، اما نمیتوان به آن بسنده  
کرد و گریبان خود را از کار سخت اما اساسی ارتباط  
گیری با جریانهای تودهای رها ساخت.

شراکت در مبارزات و جنبشهای کارگری و  
دمکراتیک: این نکته را نیز باید بخاطر بسپاریم که پایه  
استوار روابط ما با احزاب و جنبشهای تودهای بین  
المللی از طریق شرکت در مبارزات آنها بدست می آید.  
و این نیز جز با تحکیم مشی فعالیت تودهای و گرایش  
به فعالیت در محیط اجتماعی و تلاش یک یک ما برای  
جایگیری شدن در روابط مختلف و درآمیختن با فعل و  
انفعالات محیطمان میسر نمیشود. این بدان معنی است  
که از لاک خود و از محدود شدن در فعالیت نرونی  
ببرآمده و در محیط اجتماعی داخل شویم. حتی آن  
کسانی که نه بکار شخصی اشتغال دارند و نه تحصیل  
میکند میتوانند بطریق مختلف با محیط مرتبط شوند. اما  
واقعیت آنست که روحیه نرونی گرائی و گریز از ارتباط  
گیری فعال با دیگران و حشر و نشر با مردم کشورهای  
میزبان مانع مهمی در این مورد است. با درآمیختن در  
مسائل محیط و لاجرم مطلع شدن از چند و چون  
مبارزات جاری است که راه برای شرکت در آن، یعنی  
صحنه اصلی همبستگی بین المللی گشوده میشود. در این  
میان باید به اهمیت بی گفنگی شرکت در مبارزات برای  
صلح اشاره کنیم. ما باید با شرکت فعال در این جنبشها  
و تبلیغ در مورد رابطه صلح با پیشروی انقلاب علیه  
نظم امپریالیستی، حمایت این جنبش دمکراتیک را که  
برای جلوگیری از جنگ افروزی امپریالیسم و نابودی بشر  
مبارزه میکند، هر چه بیشتر بنفع انقلابات جلب نمائیم.  
اصل راهمائی ما در مراسم و آکسیونهای بین المللی،  
بیش از هر چیز توجه کردن به کار مشترک با نیروهای  
کشور میزبان، اهمیت و تاثیر عمل چند جانبه و نقش  
آن در انعکاس مبارزات کارگران و مردم ایران در عرصه  
بین المللی و حمایت همه جانبه از مبارزات جاری در  
کشور میزبان و همبستگی با ملل دیگر است. بنابراین  
شرکت ما در هر آکسیون چند جانبه بین المللی از این  
بقیه در صفحه ۱۳

پناهندگی که آیا قبلا در کشورهای طرف قرارداد بودند  
یا نه

ج - تعویض و مبادله اطلاعات جهت اجتناب از اینکه  
مقتضیان پناهندگی بطور همزمان در کشورهای طرف  
قرارداد تقاضای پناهندگی کرده باشند.

ج - قطعی تر و مشخصتر و انحصاری تر کردن  
مسئولیت ها و اختیارات مقامات مسئول جهت رسیدگی  
سریع به تقاضاهای پناهندگی و تقاضاهای سکونت  
قانونی، به منظور تعیین تکلیف فوری که معمولا بسیار  
سطحی انجام میگردد.

بخوبی قابل پیش بینی است که موافقت نامه  
Schengen عواقب منفی ذیل را برای پناهندگان خواهد  
داشت:

۱ - در گذشته اطلاعات مختلف از جریانها پناهندگی  
در کشورهای مختلف مورد شناسایی افرادی بجز افراد  
مسئول قرار گرفته و از این طریق افراد سیاسی تحت  
تعقیب و وابستگان آنها در معرض خطر واقع میشوند.  
برنامه ریزی مبادله بین المللی اطلاعات و سوابق، خطر  
سوءاستفاده از اطلاعات داده شده درباره افراد سیاسی  
تحت تعقیب را دربردارد.

۲ - تجربیات تا به امروز نشان داده است که یکایک  
کشورهای اروپائی يك رل پیشگام برای تغییر میزان  
پناهندگان یعنی محدودتر کردن آنان بازی میکنند که  
این اقدامات بتدریج از طرف کشورهای دیگر اروپائی  
پذیرفته خواهد شد. با اقداماتی مثل:

- اجرای بازجویی سریع بیست و چهار ساعته جهت  
بررسی دلایل پناهندگی در بلژیک  
- دستور اجباری برای رفتن به اردوگاههای مخصوص  
پناهندگان در آلمان غربی  
- ممنوعیت ۵ ساله اشتغال برای پناهندگان در آلمان  
غربی

- بستن تمام مرزها در سوئد و دانمارک  
- شرایط فاجعهمبار پناهندگان در فرانسه  
- میزان ۱/۴۷ درصد قبولی مقتضیان پناهندگی در  
هلند

اینطور پیش بینی میشود که از طریق تبادل  
گزارشات، اطلاعات و مذاکرات گذشته دولتای اروپائی،  
این استراتژی بزودی تکمیل میشود.

۳ - بدلیل اینکه جریان پذیرش و بررسی شناختن  
تقاضای پناهندگی در کشورهای مختلف فرق میکند، پناهندگان  
چوبان تا بحال این امکان را داشتهاند که علیرغم رد  
شدن تقاضای پناهندگی آنان در یک سرزمین، در کشور  
دیگری تقاضای پناهندگی شان بررسی شناخته و قبول  
شود. اما از طریق برنامه طرح ریزی شده "مبادله  
اطلاعات درباره" یکایک مقتضیان پناهندگی، این امکان  
نیز از بین خواهد رفت و میتوان حساب کرد که میزان  
قبولی به حداقل سطح خود خواهد رسید. ۴ - با  
مبادله خبرمقابل درباره گروههای بزرگ پناهندگان، يك  
لایستم اخطاری سریع در حال ساخته شدن است که از  
سفر آنان به اروپا جلوگیری نماید.

با اجرای این برنامه شکل پناهمجویان از جلوی  
درخانه سیاستمداران اروپائی برداشته شده و بدون در نظر  
گرفتن راحل متناسب به کشورهای همسایه و یا کشور-  
هایی که در آنجا آنها تحت تعقیب هستند، منتقل  
میشود.

تاکنون فقیرترین سرزمینهای دنیا متحمل سنگینی  
و فشار حرکت پناهندگان شدهاند. به، فقط ۲۰٪  
از آثاری که سازمان ملل در مورد پناهندگان انتشار  
داده است یعنی تقریبا ۲۰ میلیون نفر میتوانند به  
کشورهای مترویل برسند.

مقررات تازه علیه پناهندگان  
در اروپا و آلمان فدرال

برگرفته و تلخیص از مجله Ansätze

تغییرات شدید شرایط زندگی در آسیا، آفریقا و  
آمریکای لاتین و بحرانی تر شدن اوضاع در این سه  
قاره بخاطر جنگهای منطقه‌ای، فجاج ناشی از کرسنگی و  
فشارسیاسی، سبب گریز پناهندگان به کشورهای مترویل  
میشود. تا دهه ۷۰، تقریبا ۹۰٪ از مهاجرینی که سابقا  
از آلمان گریخته و به کشورهای دیگر اروپائی رفته  
بودند، به آلمان غربی باز می گشتند.

تبلیغ برای ارتش ذخیره کار برای سرمایه آلمان  
غربی، از ۱۹۷۳ متوقف شده و به اصطلاح طرح کک به  
بازگشت کارگران و محدودیت ورود وابستگان آنها (به  
دلایل اقتصادی) سازماندهی و ترتیب داده شد.

نه تنها در آلمان غربی بلکه در همه جا، يك  
سلسله اقدامات جدی و سریع اعمال میشود به این  
منظور که "طوفان پناهندگان" را که از مرزها به این  
سو هدایت میشود، به نرون کشورهای سه قاره  
بازگرداندند. از آغاز دهه ۸۰ حقوق پناهندگی محدود و  
محدودتر شده است و هنوز هم کوشش برای محدودتر  
کردن آن ادامه دارد. میزان این محدودیت را از  
اقدامات زیر میتوان درک کرد.

- کمی تجهیزات اردوگاههای مخصوص پناهندگان  
- تحویل وسائل و آذوقه از طریق کوبن های مخصوص  
(Gutschein)

- ممنوعیت کار از سال ۱۹۸۲  
- دستور برای رجعت دادن (پس فرستادن) پناهندگان  
از همان مرزی که آمدند و دادن قدرت اجرایی برای  
آن

- اخای قرارداد با برلین شرقی و بستن مرز عبور از  
برلین شرقی به غربی در سال ۱۹۸۵.

- محدودیت های شدید برای به رسمیت شناختن  
دلایل پناهندگی

- همکاری و هماهنگی با پلیس مخفی خارجی و پلیس  
نظامی

- پس فرستادن پناهندگان حتی به مناطق بحرانی  
- اجرای سیاست نژاد پرستانه نرومورد خارجیان (سیاست  
مربوط به خارجیان)

حکومت کنندگان در مترویلها با سیاست سلطه  
گرا نه و قدرت طلبانه امپریالیستی خود با پناهندگان  
مقابل خواهند کرد و مرزها بزودی بسته خواهد شد.

از طریق تصمیم جمعی بیشتر کشورهای اروپائی  
در سال ۱۹۸۵ قراردادهای شنگن (Schengen)  
منعقد شد و اکنون مرزهای بیشتر این کشورها بر روی  
فواریان بسته می باشد.

بنظر میرسد که يك تطابق و همرائی در مورد  
سیاستهای مربوط به امور پناهندگان، در بین تمام کشور-  
های اروپائی به پیش می رود. در قرارداد Schengen برنامه  
های زیر پیش بینی شده است:

الف - مبادله و تعویض آمار و اطلاعات و سوابق مربوط  
به فراریان (یا مقتضیان پناهندگی)

ب - اطلاع سریع و مبادله اخبار مربوط به هرگونه  
تغییر در حقوق پناهندگی

پ - اطلاع سریع و آگاه ساختن یکدیگر از ورود گروه-  
های بزرگ فراریان و پناهندگان

ت - تعویض و مبادله اطلاعات درباره موقعیت و  
شرایط سرزمینهای مبدأ (سرزمینهای که پناهندگان از آنجا  
می آیند)

ث - تعویض و مبادله اطلاعات درباره یکایک مقتضیان

سوئد

## گفتگو با پناهندگان

انگلستان

## اعتراض علیه اعدام زندانیان سیاسی



رفتای واحد لندن سازمان با همکاری و مشارکت نیروهای چپ و مترقی انگلیس اقدام به ایجاد یک کمیته اقدام برای دفاع از زندانیان سیاسی ایران کردند. این کمیته فعالیت تبلیغی وسیعی چون برگزاری یک سخنرانی در جنب کنگره حزب کارگر انگلیس، انتشار بیانیه‌های مطبوعاتی و اعلامیه‌های متعدد برای انعکاس دادن وضعیت زندانیان جمهوری اسلامی و موج گسترده اعلامیه‌های اخیر انجام داد.

## LABOUR PARTY CONFERENCE FRINGE MEETING

## IRANIAN POLITICAL PRISONERS ACTION COMMITTEE

6pm Thursday 6 October 1988

New Clifton Hotel, Talbot Square, Blackpool

The barbaric Islamic regime in Iran is preparing an unprecedented massacre of the country's political prisoners. It can be stopped. Find out how - come along to our meeting.

## Speakers

Stan Newens MP

Jeremy Corbyn MP

Dr Mohsen - IPPAC

Chair Neil Baker - Secretary, IPPAC

## OPEN THE DOORS!

For further information on the campaign, write to IPPAC, 8M Box 6926, London WC1N 3XX. Telephone: 01 808 3677

در مالمو، سومین شهر بزرگ سوئد، شمار زیادی ایرانی زندگی میکنند. با اینحال، فعالیت سیاسی و تا حدودی فرهنگی پناهندگان و مهاجرین، چندان به چشم نمی‌آید، تا اینکه جمعی از هواداران جریان انقلابی، اقدام به برپایی میز کتاب کردند. تظاهرات اخیر انجمنها و کانونهای جنوب در پیوند با شور و تلاش سیاسی، هوای این منطقه را تا حدودی عویز کرده است. در راستای ابتکاراتی از این نوع، کمیته میز کتاب از هموطنان دعوت کرد تا بمنظور یافتن راههای حمایت از زندانیان سیاسی و پناهندگان در محل میز کتاب گرد هم آیند. ریترناژ حاضر، انعکاس افکار و نظرات پناهندگان است که قبل از نشست و بعد از آن، طی صاحبمهاشی با آنان بیان شده است.

از "لاریوش" تقاضا میکنم تا خودش را بعنوان مهاجر به ما معرفی کند:

— دو سال در سوئد هستم، تنها کارم، آموختن زبان سوئدی است.

— تا چه اندازه، در جریان اوضاع ایران هستید؟

— صرفاً بوسیلهٔ رادیو و تلویزیون.

— بنظر شما، ظرفیت های پناهندگان برای فعالیت تا چه میزان است؟

— نمیتوان پناهندگان را از لحاظ ظرفیتها محدود نمود. ما میتوانیم در همهٔ زمینه‌ها اعم از صنفی، فرهنگی و سیاسی فعال باشیم. مهم، امکانات است. در ضمن باید توجه داشت که پناهندگان، در مرکز فعالیت و توجه ما قرار گیرند. ناگفته نماند که من مخالف مرزبندی هستم. جهت ادامهٔ گفتگوها با حاضرین، نزد دو ایرانی

که با هم "گپ" می‌زنند، رفتیم.

— آقا مایل هستید با ما گفتگو کنید؟

— متأسفانه، من هیچ نظری ندارم.

یک جوان ایرانی دیگر را به مصاحبه دعوت کردم.

— لطفاً خودتان را معرفی کنید.

— اسم من بابک است. دوسالی است که مقیم این کشور هستم.

— در فعالیتهای پناهندگی شرکت میکنید؟

— البته! در انجمن ایرانیهای مالمو فعالیت میکنم.

— سؤالی را که از دوست دیگری داشتیم، در اینجا تکرار میکنیم تا نظر مشروحی در این باب بشنویم. سوال ما، ظرفیتهای پناهندگان است برای امور مختلف.

— ابتدا باید بگویم که با پناهندگان بعنوان یک جمع یکدست که موضوع اصلی حرفها و اندیشه‌شان امور ایران باشد، برخورد نکنید. متأسفانه تنها میتوان ۴۰ درصد از مهاجرین را یافت که علاقمند اینگونه تلاشها باشند. بقیه به اصطلاح در جامعهٔ سوئد حل شده‌اند.

— چه راهی برای فعالیت کردن ایرانیها پیشنهاد میکنید؟

— پیشنهاد؟ من فکر میکنم که باید به مهاجرین نشان داد، یعنی واقعاً نشان داد که کشورشان در چه وضعی است، تا به آن حد که آنها مشکل خودشان، حسابی کنند. باید سختی‌هایی که خودشان متحمل شده‌اند را بیادشان آورد و با تبلیغ واقعیتها و عرضکردن دلالت آوارگی‌ها و سرخوردگیها، قانعشان کرد که فعالیت پناهندگی، ضرورتی است برای همه، و نه مسئله خاص عداوت، دستتای و یا جریانی سیاسی.

— با اینهمه، کدام عرصه‌ها میتوانند شاهد فعالیت پناهندگان باشند؟

— اگر امکان دارد، خودتان را به مثابه یک مهاجر به ما معرفی کنید؟

— چرا؟

— میخواهم با شما برای نشریهٔ پیام کارگر مصاحبه کنم.

— اول سوال بکنید تا بعد.

— پرسش ما همان است که با دیگران مطرح کردیم. در مورد توانایی مهاجرین برای فعالیتهای مختلف؟

— اسم "طلی" است. مدتی است در سوئد زندگی میکنم. اما در مورد سوال شما باید ابتدا پناهندگان را مشخص کرد. بنظر من، اینها، طبقه یا قشر واحدی نیستند بلکه از طبقات مختلف راهی این کشور شده‌اند. پس سلباً ظرفیتهایشان هم گوناگون است. پناهنده‌هایی که ظرفیت فعالیت دمکراتیک دارند و حتی قادرند زیر پرچم کمونیستی متشکل شوند، تعداد بیشتری هستند.

— زیر پرچم کمونیستی متشکل شوند؟ لابد منظور شما جذب انفرادی است؟

— بله. چون اکثر پناهندگان از زحمتکشان هستند، توانایی اینرا دارند که برنامهٔ پرولتاریا را بپذیرند. کمونیستها نیز باید تلاششان را به این دسته معطوف کنند و نظراتشان را نزد آنان تبلیغ کنند و نه کل پناهنده‌ها.

— شما اوضاع ایران را تعقیب میکنید؟

— بله، از هر طریق: رادیوها، تلویزیون، مطبوعات مترقی، کمونیستی و بورژوازی.

— پناهندهٔ دیگری که نقطه نظرات مشابهی را بیان

— این قضیه هم متفاوت است. ببینید هر مسئله‌ای، خصوصیتها و خودش را دارد. شما در یک اقدام فرهنگی — هنری، قدرت تجمع تعداد بیشتری را دارید، اما در یک تلاش سیاسی، تنها کسانی حاضر به عمل هستند که همدیگر را از قبل بشناسند. در جایشکه نیروی بیشتری لازم است، مثلاً در مورد زندانیان سیاسی، همانقدر هم تعداد کتری حاضر میشوند.

— معیار شما برای تشکلهای سیاسی — صنفی پناهندگی چیست؟

— منظور شما دقیقاً چیست؟

— آیا شما با مرزبندیهای رایج موافقت میکنید؟

— جریانات مختلف، سیاستهای مختلف دارند. اما به نظر من، باید برای انواع تشکلهای تفکیک قائل شد. به این معنی که در یک مسئله عام، مثلاً تشکل پناهندگی، مرزبندی یک فکر زائد است، اما در یک تلاش سیاسی مشترک برای مبارزه در راه دمکراسی نمی‌توان با آثناهی که دشمنی شان با دمکراسی را به آزمایش گذاشتند، متحد شد. موافقت میکنم؟

— سوال دیگری هم دارم: شما نشریهٔ پیام کارگر را مطالعه میکنید؟

— تقریباً. و نه فقط پیام کارگر، نشریات دیگرشان را هم مینظر.

— حال که اینطور است بگوئید راجع به سیاست جدید ائتلافی ما چه نظری دارید؟

— در همین یک مورد، متأسفانه اطلاعی ندارم.

از یک ایرانی دیگر تقاضا کردم:

## گفتگو با پناهندگان

میکرد، خود را اینگونه معرفی کرد:

— "شهاب" هستم. منم دوسالی است که مقیم سوئد هستم. صبحها درس میخوانم و در کارش کار میکنم.

— یعنی فعلا کارگر هستید؟

— بله، کارگر.

— شما برای فعالیتهای پناهندگی مرزبندی قائل میشوید؟

— کاملا. بین کمونیستها و چپ خردصورتها و چپ لیبرال که نام چپ را اختیار و تحت پرچم مارکسیسم سینه میزنند، و بین کمونیستها و رویونیسم باید مرز مشخصی قائل شد.

— یعنی با این معیارها، باید پناهندگان را متشکل کرد؟ لطفا توضیح بیشتری بدهید؟

— در مورد پناهندگان، باید نیروهای همکار جمهوری اسلامی را بیرون کرد. آنها چه در تئوری و چه در پراتیک ثابت کردند که ستون پنجم بورژوازی هستند. بیشترین سعی باید بر آن باشد که خط رادیکال رامیان پناهندهها برد و بخش پیشرو آنها را حول برنامه کمونیستی متشکل کرد. باید از محدوده "دمکراتیک ویبی قید و شرط فزاتر رفت.

— شما نشریات سازمان راه کارگر را مطالعه میکنید؟

— قبلا مطالعه میکردم.

— الان تحریم کردهاید؟

— نه نه. دسترسی نداشتم، یعنی میزکتاب نبوده و وقت هم نداشتم. البته پلمیکاپیشارها که بولتن و شبیه این چیزها است، تعقیب میکنم.

با یک شرکت کننده که آخرین مصاحبه شونده ما بود، گفتگویی بدین ترتیب داشتیم:

— دوست عزیز، شما مرزبندی با این طیف آشنا راقبول دارید؟

— بر منکرش لعنت! عقیده من در مرزبندی با اینها و خیلی های دیگر خلاصه میشود. ولی باید فهمید که مرزبندی در چه رابطه و زمینه‌ای؟ در رابطه با مسائل، از جمله مسئله پناهندگی و تشکلهای انفرادی — و نه ائتلاف گروهی، اینرا بخاطر داشته باشید — مرزبندی یعنی لجهازی، یعنی دشمنی با دمکراسی، یعنی انحصاری کردن دمکراسی برای خود.

— خوب است که این انحصاری بودن را بیشتر بشکافید. روشن است. ببینید، اگر بخواهیم کلمه "دمکراسی و دمکراتیک را از بین صحبتیهای دوستان کلچین کنیم، بیشتر از هر کلمه دیگر است. اما متأسفانه همین دوستان، فقط پیرهن دمکراسی را به تن کردهاند که پارگی اش هم از فاصله دور پیداست. آخر، دمکراسی ایکه بعضی افراد را بخاطر قرضشان از خط خارج کند، دمکراسی است؟

— منظور شما از انحصاری بودن دمکراسی لابد همین است؟

— بنظر شما غیر از این است؟ به هرچیزی شبیه است، مگر به خود دمکراسی. بیچاره دمکراسی!

— خیلی معنوفیم.

## تظاهرات ضدنژادپرستی در نورز

با اعلام برگزاری تظاهرات ازطرف جنبش راسیستهای مهاجرین Folkebevegelsen mot Invandring در روز شنبه ۱۵/۱۰/۸۸ طیف وسیعی از نیروهای مترقی اقدام به یک تظاهرات گسترده علیه نژادپرستی کردند. بیش از ۵۰ جریان سیاسی و اتحادیه کارگری و دانشجویی از این تظاهرات پشتیبانی نمودند و این تظاهرات با استقبال هزاران نفر (۲۰۰۰ نفر) درشهرهای اسلو و درمان روبرو گردید:

FMI (جنبش تودهای علیه مهاجرت) که قصد برگزاری اولین تظاهرات را در دوشهر اسلو و درمان

داشت وقتی با واکنش قاطعانه نیروهای مترقی که اعلام نموده بودند بهر قیمتی می بایستی راسیستها را از خیابانها بیرون ریخت مجبور به عقب نشینی شد و هواداران FMI بطور کلی جرأت ظاهرشدن دراسلو را بخود ندادند و تعداد انگشت شماری از آنها در شهر درمان ظاهر شدند و اقدام به پخش اعلامیه علیه مهاجرین و پناهندگان کردند که در همان لحظات اول با واکنش نیروهای مترقی روبروگشته و پس از چند مورد درگیری لفظی پلیس آنها را از محل منگور دور کرد. هواداران سازمان ما نیز از این تظاهرات پشتیبانی نمودند و فعالانه در جلسات و در تظاهرات شرکت کردند.

## سوسیال دمکراسی سوئد

## آزادی بیان و انتشارات را تهدید میکند!

آکسیون خبرنگار پیام کارگر با یکی از فعالین این حزب مصاحبه‌ای انجام داد. وی در جواب این سوال خریب نگار ما که بنظر شما چرا دولت سوئد سعی دارد فعالیت KPLM(r) را محدود کند، چنین پاسخ داد: "همانطوریکه میدانید سرمایه‌داری سوئد چندین سال است که دچار بحران است. و طبقه کارگر سوئد که فشار بحران بردوش او افکنده شده است، به اعتراضات غیرقانونی روی آورده است. در مراکز صنعتی، حمل و نقل و غیره، درسال گذشته درمدلالی از اعتراضات غیرقانونی را شاهد بودیم که نسبت به موارد مشابه در سالهای بحرانی گذشته غیرقابل مقایسه است. طبیعی است که دولت پلیسی سوئد از رشد درمد اعتراضات رادیکال و غیرقانونی طبقه کارگر به وحشت افتاده است و از این رو قصد دارد سازمانهای چپ و انقلابی را محدود و یا در صورت امکان تعطیل کند، تا بتواند به راحتی در صورت وقوع حرکات گسترده کارگری آنها را به آسانی سرکوب کرده به عقب براند. سرکوب احزاب کارگری مقدمه سرکوب طبقه کارگر است."

۲۹ اکتبر روز شنبه موعد برگزاری راهپیمایی سراسری بود. در شهر گوتنبرگ سوئد این راهپیمایی با شرکت هزاران نفر از مردم سوئد برپاگردید و در پایان راهپیمایی شرکت کنندگان در خانه مردم گردآمدند و تنی چند از نویسندگان و روزنامه نگاران سوئدی سخنرانی کرده و سیاست ضددمکراسی دولت سوسیال دمکرات را افشا و محکوم کردند.

## من درد مشترکم مرا فریاد کن!

گرچه به معجزه اعتقادی ندارم، ولی برایم باورم که روشنگران جهان سوم بایستی معجزه کنند! باید در کوه غیرممکن ها تونل بزنند... (شاملو)

روز ۲۷ اکتبر ۸۸ ایرانیان مقیم وین پذیرای شاملو چهره بینظیر شعروادب متعهد معاصر ایران بودند. قریب هزارنفر از ایرانیان مقیم وین که بی سمرانه از روزها قبل انتظار ورود شاملو را داشتند در یکی از سالنهای دانشکده اقتصاد وین با اشتیاق بسیار به شنیدن اشعار و متن اعتراضیه شاملو به "انجمن بین المللی ادبیات" (Inter-Lit) پرداختند. برنامه در حدود دو ساعت بطول انجامید و درمیان کف زندهای معتد حاضرین پایان یافت.

راهپیمایی دفاع از آزادی بیان و نشرعقیده:

بندبال اوجگیری و گسترش اقدامات ضد آزادی دولت سوئد سه حزب نامبرده در بالا هواداران آزادی دمکراسی در سوئد را دعوت به راهپیمایی سراسری اعتراضی علیه دولت سوئد کردند. بدین منظور درشهرهای مختلف سوئد راهپیماییهای اعتراضی متعددی برپاگردید ما فقط گزارشی از آکسیونهای اعتراضی ۲۲ و ۲۹ اکتبر که در شهر گوتنبرگ سوئد برگزار گردید، دریافت کردیم و آنرا بااطلاع خوانندگان پیام کارگر می رسانیم:

۲۲ اکتبر روز شنبه حزب مارکسیست لنینیست انقلابی سوئد آکسیونهای متعدد افشاگر در مناطق مختلف شهر برگزار کرد و با پخش اعلامیه مردم سوئد را به اعتراض علیه آزادی کشی دولت سوسیال دمکرات فراخواند. رفقای ما نیز در همین روز ضمن برپایی میزکتاب و نشریات در مرکز شهر و با پخش اعلامیه بزبان سوئدی ماهیت محدود و متزلزل آزادی خواهی سوسیال دمکراسی را در مقابل بحران سرمایه افشا کردند. در همین



## گفتگو با هنرمند پیشرو نریمان حجتی



آقای نریمان حجتی که دعوت ما را بفرمان گفتگو پذیرفتند در سال ۱۳۳۸ در شمال ایران متولد شده و موسیقی را نزد استاد حسین علیزاده آموخته است. ایشان در حال حاضر در رشته تاریخ هنر تحصیل میکند و از میان آلات موسیقی تار میوازند.

سوال : آقای حجتی لطفا مختصری از تاریخ موسیقی ایرانی و اوضاع موسیقی در رژیم جمهوری اسلامی برایمان بگوئید.

جواب : از مراحل نخستین تکوین موسیقی ایرانی، اطلاع چندانی در دست نیست. اما این قاعده عمومی را که کار انسانی موجب پیدایش ریتم و آواز و سپس موسیقی بوده است را میتوان در مورد موسیقی ایرانی نیز تعمیم داد. چنانکه از اسناد و مکتوبات تاریخی بر می آید، نغمه‌های مذهبی در آتشکده‌های ایران باستان توسط گروه همسرایان همخوانی‌شده‌است ظهور دیده هلنیسم و استیلای طویل‌المدت یونانیان مقدونی، مقوله ایست که هرچند دقیقاً پژوهیده نشده است اما جای هیچ تردیدی نیست که نقش اساسی در نضج یافتن موسیقی مین ما داشته است.

موسیقی ایرانی در دوین مرحله مهم زندگی خود، ره به دربار ساسانیان می یابد و مبدل به موسیقی باریک، مفاخم و تجملی میگردد. موسیقی ایرانی در این برهه، موسیقی ای دنیوی و جهان گرا است و سعی در بیان احساسات طبیعی انسانی دارد و از آنجا که وظیفه توصیف شکوه دربار را برعهده داشته، لذا موسیقی ای توصیفی بوده است.

مرحله سوم مصادف است با یورش و استیلای مسلمین و آمیزش دو فرهنگ سامی و ایرانی. موسیقی ایرانی بروموسیقی عرب تاثیر میگذارد و از آن تاثیر میگیرد. فی‌الغفل در دستگاه شور، آوازی هست بنام ابوعطا که سابقاً به آن داستان عرب میگفتند و یا در عراق، امروزه مقامی بنام مقام عجم نواخته میشود. اینکه در این میان کدام موسیقی، نقش موثرتری بر دیگری داشته، هنوز مورد بحث است. اما ظن غالب این است که پس از بقدرت رسیدن عباسیان که نفوذ عناصر ایرانی در دارالخلافه چریش داشته است، موسیقی ایرانی جانی دوباره میگیرد و از این طریق عرصه خویش را در سرتاسر قلمرو جهان اسلام میگززد. این آموزه، این پدیده نوین به حیات خود در دربار خلفای عباسی ادامه میدهد. در این برهه، موسیقی هرچند در فرم تغییراتی می یابد، اما در باطن، حاوی همه آن اهدافی است که موسیقی دوره ساسانی‌ها را بود.

چهارمین و مهم‌ترین مرحله حیات موسیقی ایرانی، که در تاریخ این موسیقی سرنوشت ساز بوده، به مراحل بعدی تکامل موسیقی جهت داده و مهر خود را الی‌الابد بر جبین موسیقی ایرانی کوبیده، مصادف است با حمله و تسلط مغولان و پیدایش و اوجگیری فلسفه عرفان، اشراق و تصوف. همه عناصر دنیوی و جهان گرا یگاره از موسیقی ایرانی رخت برمی بندد و موسیقی ایرانی مبدل به یک موسیقی عرفانی، درونگرا و خلسه آور میشود. غم و شادی بمثابة دو عنصر دنیوی جای خود را به خلسه و شوق می سپارد. (پدیده‌ای که هنوز در موسیقی ما مشهور است)، نوازنده، ابتدا با

نواختن چند گوشه که زمزمه وار و نجواگونه‌اند، شنونده را به حال خلسه فرومیرد و سپس با نواختن یک فرم ضربی (که عموماً به چهارضرب شپرت دارد) او را به شور و شوق می آورد. شوری که با آن میتوان سماع کرد. شعر، بعنوان مهم‌ترین وسیله تبلیغ اندیشه‌های عرفانی، در این مرحله اهمیت بی اندازه‌ای کسب میکند و موسیقی در خدمت آن قرار میگیرد. از آنجا که مغولان تا دیرسالی از آمیختن با فرهنگ ایرانی انکراه می ورزیدند، موسیقی ایرانی مامن و ماوای خود را در خانقاه یا مجالس صوفیان می یابد.

روزگاری دراز یعنی از سلطه صفویه تا اواخر سلطنت قاجاریه، موسیقی ایرانی همچون سایر رشته‌های حکم، هنر و ادب ره زوال می پیماید. تنها دوره سلطنت ناصرالدین شاه را در این میان می بایست یک استثنا تلقی کرد. موسیقی ایرانی به عللی که از حوصله این بحث خارج است (همچون وجود صلح مستمر، محدود بودن قدرت روحانیون و بویژه روحیه مخصوص خود شاه) بشدت پیشرفت کرد. نوازندگان بزرگی چون آقا غلامحسین، علی اکبرخان فراهانی، میرزااحسینقلی، میرزا عبدالله و درویش خان ظهور کردند. موسیقی ایرانی هرچند در دربار رشد میکرد، اما هرگز موسیقی درباری نبود، زیرا عوامل موسیقی عرفانی به حدی در این موسیقی قوت داشت که تغیر آن از عهده کسی بر نمی آمد. نوازندگان نامبرده نیز چنانکه از سرگذشتشان برمی آید شخصیت‌های مردمی بودند و موسیقی ایشان نیز بی‌مانند اندازه مردم تعلق داشته است. مرحله پنجم همزمان است با انقلاب مشروطه، ظهور بوزوازی و دگرگونی اساسی در ساختار طبقاتی جامعه ایران. بوزوازی نوپا و در روزگار خود مترقی، خواهان دگرگونی‌های وسیع در زمینه سیاست، اقتصاد و فرهنگ (منجمله موسیقی) و نیز درصدد تحصیل جهان بینی خود به جهان بینی روبه زوال فئودالی است. استاد شادروان کلنل علی نقی وزیری که خود در مشروطه شرکت فعالی داشته است، پس از اتمام تحصیل موسیقی در پاریس به ایران باز میگردد و نخستین

مدرسه موسیقی را در تهران بنیانگذاری میکند. وی میکوشد موسیقی ایرانی را از عناصر عرفانی پاک سازد و آنرا به یک موسیقی "این جهانی" مبدل سازد، موسیقی ای که بتواند به خواستهای عنصر نوین پاسخ گوید. موسیقی وی برخلاف موسیقی معمول یک موسیقی پرتحرک، امید بخش و خوشبینانه است. عناد و ستیز هم عصر او، احمد کسروی، با صوفیگری و عرفان در زمینه فلسفه و سیاست نشان میدهد که ابداعات وزیری در زمینه موسیقی از یک پشتوانه فلسفی - اجتماعی برخوردار بوده و او در حقیقت به خواست زمان خود پاسخ گفته است. اما از آنجا که بوزوازی ایران بعلت ضعف های تاریخی (که در این بحث نمی گنجد، پیش از آنکه اصولاً هویتی بیاورد دست خوش سازش و انحطاط میشود، ادامه کار وزیری نیز با دشواری روبرو میگردد. او را که زیوارت موسیقی مطربی و درباری نمی رود از کار برکنار میکنند. وزیری تا زمان مرگش یعنی بیش از بیست سال خانه نشین میشود.

پس از وزیری موسیقی ایرانی تدریجاً وارد مرحله ای میشود که خود مردم بر آن نام "موسیقی منقلی" نهادند. اندیشه موسیقی بزم و تندیس با برخوردارگی از حمایت رسانه های رژیم پهلوی و برشم مخالفت اقشار روشنفکر و توده های مذهبی، در سطح گسترده‌ای تبلیغ و ترویج میشود. رژیم از موسیقی وسیله‌ای میسازد برای تخدیر توده‌ها.

انقلاب بهمن ۵۷ آغازگر مرحله ششم در تحولات موسیقی ایرانی است. در این دوران، مساله موسیقی انقلابی برای نخستین بار مطرح میشود. دو گروه سینما و عارف با الهام از قیام مردم و طرح مضامین انقلابی و مردمی، موسیقی ایرانی را چه بلحاظ فرم و چه بلحاظ محتوا دچار جهش توفانی و بیسابقه‌ای میسازند. موسیقی ایرانی اینک بگی از مضامین عرفانی تهی میشود و از فلسفه دیگری رنگ میگیرد. چون در مجموع بنگریم موسیقی این دوره نتیجه تکامل منطقی موسیقی وزیری است با یک محتوای ژرفتر اجتماعی و اگر می پائید میتوانست موسیقی ایرانی را از اساس متحول سازد. اما شکست

گفتگو با هنرمند پیشرو نریمان حجتی

زورس انقلاب آثرا از این تحول محروم میکند. پایان این دوره توسط قطعه نی نوا در دستگاه نوا، که در سال ۶۱ - ۶۰ تصنیف شده است اعلام میشود. این اثر با مضمون درون گریانانش که گویا از یک مصیبت و تلخگامی بزرگ حکایت میکند دروازای است به سوی مرحله هفتم که برآن نام "دوره رجعت" میگزاریم؛ زیرا مشخصاتی که از این پس در موسیقی ایرانی پدیدار میشوند شباهت فوق العادتی به شاخه های مرحله چهارم دارند. موسیقی دوباره از جهان می پرهیزد و آثرا تقبیح میکند و درواقع روش مبارزه منفی را درقبال جور و بیاد حاکم در پیش میگیرد و این نتیجه طبیعی اوضاع اسفبار اجتماعی است، آنجا که نشود بصراحت سخن گفت لاجرم بایست به انتزاع و تجرید دست بازید. اما شرایط چنان است که حتی نادرگرای هم با دشواری روبروست. شنبه شده است که خوانندگان، به جهت خواندن برخی نثرلیات حافظ و مولوی مورد مواخذه قرار گرفتند!

سوال: از نظر شما، برای ضدیت رژیم با موسیقی چه توضیحی میتوان یافت.

جواب: دلائل مختلفی را برای آن میتوان برشمرد:

۱ - تعصب و خشک اندیشی مذهبی  
 ۲ - تضاد میان فرهنگ شهری و روستائی و توجه به این نکته که روحانیون غالباً از روستاها برمیخیزند و بر تعلقات روستائی خویش پای میورزند.  
 ۳ - عناد با ملیت و فرهنگ ملی، چنانکه زبان فارسی و سایر رسوم و امیاد ملی همچون موسیقی ایرانی دستخوش آسیبهای جبران ناپذیری شده و میشوند.  
 سوال: بسیاری از روحانیون نیز منشاء شهری دارند ولی بر همه آنها یک سیستم فکری - فرهنگی حاکم است، منظورتان از تضاد فرهنگ روستائی و شهری در این رابطه چیست؟

جواب: مراد من از تضاد فرهنگ روستائی و شهری در واقع همان تضادی است که میان فرهنگ فئودالی و فرهنگ بورژوائی وجود دارد. علت این تضاد و دوگانگی را باید در گسترش ناهمگونی نظام سرمایه داری در شهر و روستا جست. رشد بورژوازی شهری پس از انقلاب مشروطیت توانست فئودالیسم را وادار به عقب نشینی کند، اما هرگز قادر به محو قطعی آن نشد و روستاها همچنان در مستحکم فئودالیسم باقی ماندند. همانطوری که میدانید بقا و دوام مناسبات فئودالی در روستاهای ما به علت عاقبت نافرجام انقلاب سفید که درواقع میبایستی کوششی در جهت تحمیل نظام بورژوازی به فئودالیسم حاکم بر روستاها بوده باشد، روستائیان ما را به بیماری حاد عقب ماندگی فرهنگی مبتلا کرده است. انگاشت روستائیان ما، هنوز یک انگاشت قرون وسطائی است و مناسبات مشخص بورژوائی چنانکه در کشورهای سرمایه داری غربی مشهود است هنوز در روستاهای ایران جانیاننده است و از آنجا که مذهب، خود یک پدیده قرون وسطائی است پایگاه واقعی خود را در روستاها می یابد و لذا ناگزیر از پافشاری براین تعلقات فرهنگی است.

سوال: آیا بنظر شما جمهوری اسلامی هم هنر رجعت را تبلیغ میکند؟

جواب: جمهوری اسلامی هنر رجعت را تبلیغ نمیکند و مدافع آن نیست بلکه این موسیقی زامی شرایطی است که جمهوری اسلامی فراهم آورده است. در واقع این رجعت را میتوان به یک پوسته دفاعی تشبیه کرد که موسیقی ایرانی در این شرایط وانفاسا برای خود ساخته است.

درموسیقی رجعت، رنگ عرفان دوباره تند میشود

و موسیقی ایرانی یگانه راه ادامه حیات و تلاوم مبارزه خویش را در این شیوه و سبک می یابد. بانظری بتاریخ در می یابیم که عرفان ایرانی درصدهای میانه هموارسک اندیشه انقلابی و مترقی در برابر مذهب رسمی و فرمایشی بوده است. لذا از این روست که موسیقی ایرانی در مقابل حاکمیت که همان شامیل و کاراکتر میان سدای را داراست، راه کین و آزموه عرفان را اختیار میکند. اندیشه های آزادیخواهانه و انسان دوستانه دوباره از زبان حافظ و مولوی و عطار و باباطاهر بیان میشوند. زهد ریائی و جب جاه و مقام و دنیا دوستی مورد نکووش قرار میگیرند و آزادگی و انسانیت ترویج و تبلیغ میشوند.

سوال: با توجه به توضیحات شما درباره رجعت به عرفان، مسئله جهت گیریهای آشکار طبقاتی هنر، که تاثیر از رشد سرمایه داری در کشور ما و تکامل مبارزه طبقاتی است چه میشود؟

جواب: مساله طبقاتی بودن هنر بحثی است که نیاز به آقامه، انکه ندارد. حمایت اشراف اروپا از هنرمندان خویش و از این رهگذر بوجود آمدن سبکهای مختلف هنری که مطابق بازیبایی شناسی اشرافی بودند، مسبب پیدایش این اصطلاح شد.

سنت هنر پیروی و هنر دوستی که در اشراف اروپا مشهود است نزد اعیان ایرانی چه برای کاملاً متضاد دارد. اشراف ایرانی هنر را کاری خوارمیشردند و اصولاً از اشتغال ورزیدن به آن، ابا میکردند. در این زمینه دلائل تاریخی وجود دارد که مجال ورود به آن نیست (چون تعصبات مذهبی، موقعیت اجتماعی نازل هنر - مندان، وجود فرهنگ مطربی...) لذا بهتر است از اصطلاح مشخصتر "هنر داری" سخن گفت که البته آتهم در غایت، هنری طبقاتی است.

در مورد هنر ملی کار در شوارتر میشود زیرا چنانکه از اسم آن برمی آید، این موسیقی میراثی بسیار کین است که به کل ملت تعلق دارد و مرزبندی های طبقاتی در آن جاری نیست. لذا چیزی که بتواند این هنر را طبقاتی کند در ذات خود این هنر نیست بلکه درگرایش های اجتماعی هنرمند نهفته است. هنرمند است که میتواند آثرا در اختیار مردم یا در انحصار طبقه حاکم قرار دهد.

سوال: رابطه هنر و سیاست را با استناد به آنچه گفتاید چه میدانید؟

جواب: سیاست و هنر دو مقوله مختلف اجتماعی هستند که دریک ارتباط تنگاتنگ قرار دارند. شاید در آینده روزی فرا رسد که سیاست بکلی از عرصه زندگی بشر محو شود. اما در دوران ما سیاست بعنوان یک واقعه عینی بزرگترین نقش را در تعیین سرنوشت بشر دارد و لذا تغلت و بی اعتنائی هنرمند نسبت به آن به مثابه عدول از واقعیت است. و هنر واقع گرا ناگزیر از برخورد روبرو با سیاست است.

از طرفی ارتباط سیاست و هنر نباید به آنجا رسد که منجر به تسلط و سيطرة یکی بر دیگری شود تجربه تاریخی نشان داده است که منحصر شدن هنر به تبلیغات سیاسی و حزبی، جز به ضعف و نازائی هنر نیانجامیده است. امروز که در غالب کشورها انقلاب شده، بازنگری و انتقاد به گذشته درگرفته است، چا دارد که ما نیز از این رهگذر سود ببریم و از تجربیات متقدمان نتایج مطلوب حاصل کنیم.

بهترین شاهد قشیه، هنر اتحاد جماهیر شوروی، پس از انقلاب اکثر است. ممنوعیت هنر مدرن و لزوم حزبی شدن هنر که در سال ۱۹۲۳ از سوی

وزیر فرهنگ لوناچارسکی درخصوص هنرهای تجسمی و ادبیات اعلام شد و نیز ممنوعیت موسیقی مدرن و تئوری موسیقی حزبی از طرف ژدانف کمی پس از جنگ دوم جهانی هنر شوروی را که برآستی سزاوار پرچمداری هنر قرن بیستم بود، سخت تپی و بی رمق ساخت.

نکته اینجاست که از خویش سخن گفتن هنرمند به مفهوم نفی توده و گریز از واقعیات جاری نیست زیرا هنرمند خود جز توده و اثرش آئینه تمام نمای زمانه خویش است. و مطرح ساختن خویشتر از اصول اجتناب ناپذیر و آفرینش هنری است. از این روست که می - بایست به دید شخصی هنرمند احترام گذاشته شود زیرا نگرش هنری از احساس و تخیل مایه میگردد و شکل پیدای میکند حال آنکه نگرش سیاسی به مسائل یک نگرش لزوماً منطقی است.

سوال: آینده موسیقی ایرانی را چگونه می بینید؟  
 جواب: احتمال آنکه موسیقی ایرانی، آنطوری که برخی مدعی شدهاند، کلا از میان برود محال است اما شکی نیست که موسیقی ما ماندام که شرایط موجود، چنین بهمان از گسترش و رشد بازخواهد ماند و چه بسا دچار پس رفت شود. نوازندگان شهرستانهای کوچکتر و روستاها اینک به علت قسریت و تنگ نظری فزون از حد حاکم، دست از اشتغال به موسیقی و لذا از انتقال آن به نسل آینده کشیدند و این بزرگترین خطر برای موجودیت موسیقی ملی ماست.

سوال: آقای حجتی بعنوان آخرین سوال، آیا در وضعیت کنونی در خارج از کشور امکان شکل گیری تشکلهای مستقل هنرمندان هست؟

جواب: بدون حمایت گروههای پیشرو از هنر اصیل، ضحبت از ایجاد تشکلهای هنری بیبورد است، زیرا هنرمند نیاز به مخاطب دارد و اگر روشن اندیشان نسبت به آن بی تفاوتی نشان دهند، هنرمند منزوی خواهد شد و این انزوا، دو راه بیشتر فرآوری او باقی نخواهد گذاشت: یا سکوت اختیار کند و مخاطبین خود را از افشار دیگر برگزیند، بمعبارت دیگر به وسطه انتقال در غلطد، گروههای ترقیخواه سیاسی در خارج از کشور توان آثرا دارند که بوسیله شناساندن هنر اصیل و مردمی و برگزاری برنامههای هنری از آن حمایت بعمل آورند و این یک وظیفه انقلابی است. در پایان مایلیم خرسندی خود را از درج سلسله مقالات بسیار واقع بینانه درباب فلسفه هنر، که چندی است در نشریه رانکارگر بجای میرسد ابراز کنم.  
 ما هم از اینکه دراین گفتگو شرکت کردید صمیمانه متشکریم.

ادامه از صفحه ۹

## پیرامون فعالیت

قاعده پیروی کرده و خود را مشروط به پذیرش همه مواضع ما و یا سیاستهای ما در مورد گروهبندیهای سیاسی ایران از جانب نیروهای شرکت کننده دراکسیون چند جانبه بین المللی نمی کنیم. و براین اساس، باید بر مبنای موضوع و مفاد مبارزاتی و تاکید بر همبستگی و گسترش رابطه با نیروهای مخاطب ما در کشورهای مختلف و با مشروط نکردن حرکت به رابطه و سیاست و گروهبندیهای ایرانی نسبت به یکدیگر در راه تحکیم روابط بین المللی خود بکوشیم.

## بنیاد جدید برای سینمای جهان سوم

از "سینه است" و "ورایتی"  
ترجمه: مجید مصطفوی

تحصیلی کامل برخوردار خواهند شد. دوران تحصیلی از سه بخش تشکیل می‌شود: دوره مقدماتی (شش ماهه) و دوره تکمیلی (سدساله) که دو سال آن آموزش عمومی و یک سال آن آموزش تخصصی خواهد بود. نخستین دوره شش‌ماهه مقدماتی که از ژانویه ۱۹۸۷ آغاز شده بیست و دو دانشجو دارد: نه دانشجو از آفریقا، دو نفر از آسیا و بقیه از آمریکای لاتین.

هزینه‌های تاسیساتی بنیاد و مدرسه به عهده دولت کوبا است. که شامل هزینه‌های تعمیرات، برق، آب، غذا و ... می‌شود. سایر هزینه‌ها از طریق هدایا و کمک‌های مالی اشخاص و سازمانهای علاقه‌مند و ملت‌های ذینفع تأمین خواهد شد. نوع دیگر کمک‌های مالی، اهدای کلیه حق تالیف حاصله از فروش کتاب "ماجراهای مخفیانه میگوئل لیتین در شیلی" خواهد بود. این کتاب، که در سال ۱۹۸۶ توسط مارکر نوشته شده، به شرح ماجراهایی می‌پردازد که طی آن میگوئل لیتین، فیلمساز تبعیدی شیلیایی، به هنگام ساختن فیلمی مستند به نام قرارداد عمومی شیلی با تغییر هویت و سر پوشش یک گروه مستند ساز اروپایی مخفیانه به شیلی رفته بود. همچنین مارکر و فرناندو بیری تمام حقوق انحصاری فیلمی به نام مرد پیری با بالهای عظیم را در اختیار نهاد می‌گذارند. کارگردانی این فیلم را بیری به عهده دارد و در آن بازی هم می‌کند. داستان آن را مارکر نوشته و از اوایل سال جاری در کوبا جلوی دوربین رفته است.

قرار است بنیاد و مدرسه در امور داخلی خود استقلال کافی داشته باشند و دولت کوبا وعده داده که در هیچ‌یک از آنان دخالتی نکند. علاوه بر مارکر که ریاست بساد را برعهده دارد، یک شورای مدیریت سه نفره نیز در بنیاد وجود دارد که اعضای آن عبارتند از ادواردو پالهره آرزانتنی، خرالودو سارنو برزیلی، و ادمنودو آرائس ونزولایی. تصمیمات متخذه زیر نظر یک شورای عالی شش نفره به مرحله اجرا در می‌آید که از این اشخاص تشکیل می‌شود: خورخه سان‌خی‌تس (بولیوی)، لیتین، بیری، پل له‌دوک (مکزیک)، والتر آچوگاری (اروگوئه) و خورخه سانچز (کوبا). بنیاد سینمای نوی آمریکای لاتین

علاوه بر سرپرستی مدرسه جدید سینما و تلویزیون برنامه‌های جالب توجهی نیز برای سال ۱۹۸۷ دارد: بسط و گسترش قراردادهای مربوط به تهیه محصولات مشترک با بخشهای خصوصی کشورهای مختلف برای تولید پنج فیلم تلویزیونی یک ساعته به کارگردانی فیلمسازان تلویزیونی

۴۰ / فیلم / شماره شصت و چهارم

کشورهای آمریکای لاتین و همکاری فنی و تکنیکی دانشجویان مدرسه تازه تأسیس. داستان این پنج فیلم با اقتباس از پنج داستان کوتاه چاپ نشده گابریل گارسا مارکر خواهد بود و دو تا از فیلمها را آلتا و روی گوته را می‌سازند.

• تاسیس یک کمیته تولیدی در زمینه فیلمهای داستانی و مستند ۳۰-۲۵ دقیقه‌ای و ۶۰-۵۵ دقیقه‌ای.

• تهیه یک مستند بلند درباره عمر توریخوس رئیس جمهور سابق پاناما توسط پدرو ریویرا (پانامایی).

• تهیه یک مستند بلند درباره نیکاراگوئه در پنج بخش و با پنج کارگردان: سانتیاگو آوارز (کوبا)، خورخه فونس (مکزیک)، لیتین (شیلیایی)، سان‌خی‌تس (بولیویایی) و سارنو (برزیلی).

همبستگی موثر و روز افزون فیلمسازان آمریکای لاتین در چارچوب ارزش و مقام، حفظ و احصای میراثهای آمریکای لاتین و عدالت اجتماعی.

گابریل گارسا مارکر، نویسنده کلمبیایی و برنده جایزه نوبل که ریاست بنیاد را به عهده دارد، می‌گوید: "به اعتقاد من، اکنون در موقعیتی هستیم که باید به این پدیده‌ای که در طی سی سال گذشته گسترش یافته نیروی تارهای بیخشم من در این مقام قصد ندارم نهضت به‌وجود آورم با انقلابی فرهنگی به پا کنم. نیت ما این است که به رشد نهضتی که وجود دارد تحرک بخشیم و به بسط و توسعه آن کمک کنیم."

یکی دیگر از اهداف بنیاد، ایجاد خلل در انحصارطلبی کمپانیهای عمده توزیع و نمایش ایالات متحده در کشورهای آمریکای لاتین است. اما، به طوری که گفته شد، این بدان معنی نیست که کمپانیهای عمده به کلی کنار گذاشته شوند، بلکه کمپانیهای آمریکای لاتین می‌خواهند در توزیع و نمایش محصولات خودشان همان امکانات و آزادیهایی را که کمپانیهای آمریکایی دارند به دست آورند. مارکر در این زمینه می‌گوید: "شرم آور است که مردمی که در فیلمهای آمریکای لاتین به نمایش گذاشته می‌شوند خود این فیلمها را نبینند."

یکی از نخستین و مهمترین اقدامات رسمی بساد، گشایش یک مدرسه سینمایی بین‌المللی در دسامبر ۱۹۸۶ است. ریاست این مدرسه را فرناندو بیری فیلمساز آرژانتینی و بنیانگذار و حامی جنبش "سینمای نوی آمریکای لاتین" برعهده دارد. تاسیس چنین مدرسه‌ای، تحقق آرزویی سی ساله برای بسیاری از آمریکای لاتینی‌ها بود، چرا که خیلی از کشورهای این قاره فاقد امکانات یا نهادهایی برای آموزش سینماگران حرفه‌ای بودند. نام کامل و رسمی مدرسه، "مدرسه بین‌المللی سینما و تلویزیون آمریکای لاتین، دریای کارائیب، آفریقا و آسیا" است که به طور خلاصه "مدرسه سه جهان" نامیده می‌شود.

به گفته فرناندو بیری، ضعف عمده سینمای آمریکای لاتین در زمینه‌های فیلمنامه‌نویسی و هدایت بازیگران است. و مدرسه برای مقابله با این نقاط ضعف، اقدام به راه‌اندازی کارگاههایی مثل "چگونه داستان‌سرایی کنیم" به سرپرستی گابریل گارسا مارکر و خوان تووار (فیلسافه-نویس مکزیک)، و کارگاه بازیگری به سرپرستی لاوتارو و موروا (کارگردان و بازیگر شیلیایی) خواهد کرد. سایر مدرسان مدرسه نیز از سینماگران کشورهای آمریکای لاتین هستند و قرار است از سینماگرانی نظیر سیدنی پولاک و فرانسیس فوردرکایولا نیز برای سخنرانی و تدریس دعوت شود. همچنین برنامه‌های گفت و گو ترتیب داده شده که طبق برنامه، سینماگرانی مثل نلسون پیررا دوس سانتوس، سیدنی لومت، جیلویونته کوروو، پول له‌دوک و فرانچسکو روزی در این گفت و گوها شرکت خواهند کرد.

داوطلبان تحصیل در مدرسه باید به زبان اسپانیولی تکلم کنند، بیست تا سی سال سن داشته باشند و تحصیلات دبیرستانی را به پایان رسانده باشند. پذیرفته‌شدگان از بورس

"بنیاد سینمای نوی آمریکای لاتین" که در سال ۱۹۸۶ و به همت عدلی از فیلمسازان آمریکای لاتین تأسیس شده یکی از آن اقدامات جالب توجه برای ترویج و گسترش سینمای مردمی در جهان سوم و برابری کمپانی‌های انحصارگر آمریکایی است که آزادی و امکان توزیع و در دسترس قرار دادن فیلم‌های آمریکای لاتین را محدود می‌سازند. نکته قابل توجه تر در این رابطه اما نقشی است که دولت کوبا در تاسیس و گسترش برنامه‌های بنیاد برعهده گرفته است. حمایت مادی و معنوی کوبا از این بنیاد و احترام به استقلال عمل آن یکی از بهترین الگوهای علمی و مارکسیستی رابطه حزب و هنرمندان را به ما معرفی میکند. و مایه‌ای آشنائی بیشتر خوانندگان عزیزمان با این نمونه مقلای را که در ماهنامه سینمایی فیلم انتشار یافته عیناً در اینجا درج میکنیم.

طی سالهای اخیر صنعت سینمای کشورهای آمریکای لاتین، به ویژه آرژانتین و برزیل، از اعتبار و حیثیت تازه‌ای برخوردار شده است. سایر کشورهای این خطه نیز گامهای بلندی برداشته‌اند. اما گرچه فیلمهای آمریکای لاتین در جشنواره‌ها و محافل سینمایی بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته‌اند، هنوز هم در داخل و خارج درگیر مشکلات توزیع و نمایش هستند. دولت کوبا برای تحرک بخشیدن به توان ترویج سینما و به منظور مقابله با برخی مشکلاتی که رودرروی صنعت سینمای آمریکای لاتین قرار گرفته، در تاسیس یک موسسه بین‌المللی سینمایی و تلویزیونی به نام "بنیاد سینمای نوی آمریکای لاتین" مشارکت کرده است.

بنیاد سینمای نوی آمریکای لاتین در خلال برگزاری هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم هاوانا در دسامبر ۱۹۸۶ طی مراسمی با حضور فیدل کاسترو رئیس جمهوری کوبا رسماً افتتاح شد. اندیشه ایجاد چنین بسادی در

سال ۱۹۸۴ بلافاصله پس از پایان جشنواره همان سال هاوانا به وجود آمد، که گروهی از فیلمسازان آمریکای لاتین طی ملاقاتی با کاسترو مشکلات خود را در زمینه تهیه و توزیع فیلمهایشان بازگو کردند. کاسترو از روزهای آغاز انقلاب کوبا همواره حامی و پشتیبان سینمای انقلابی کوبا بوده و از نخستین دوره برگزاری جشنواره هاوانا در سال ۱۹۷۹ علاقه و توجهی روز افزون به این جنبش جدید نشان داده است. او در سخنرانی پایانی هفتمین دوره جشنواره هاوانا اهمیت فرهنگی جنبش سینمای نوی آمریکای لاتین را یادآور شده. از این رو می‌توان گفت که حمایت معنوی کاسترو و کمکهای مالی دولت کوبا، عوامل عمده تاسیس "بنیاد سینمای نوی آمریکای لاتین" هستند.

بنیاد در ویلای زیبایی در حومه هاوانا مستقر شده که محل فیلمبرداری بازیگران (کمدی سیاه توماس گوتیز آلتا در سال ۱۹۷۸) بوده است. اهداف عمده تاسیس این بنیاد به نقل از بیانیه افتتاحیه آن عبارت است از: الف) مشارکت در تحکیم و تقویت سینمای آمریکای لاتین... در طریق ترویج و گسترش تولید، توزیع و نمایش آن، ب) تشویق و ترغیب فعالیتهای تحقیقاتی، آموزشی، حفاظتی، آرشیوی و اقدامات ترویجی؛ ج) فعالیت در زمینه

ادامه از صفحه ۵

برنامه‌های "بازسازی" در برابرهم

جایگاهی در قانون اساسی ندارد دیگر مجلس و دولت کارهای نیستند" سوال میکند: "آیا جز امام است کسی در تشکیل شوراهائی که در قانون اساسی نامی از آن برده نشده دخالت داشته است؟" (نطق پیش از دستور رنجبر در سه شنبه ۱۰ آبان ۶۷) با این حساب معلوم میشود که نه تنها کابینه و جناح طرفدار آن به تصمیمات مجمع بازسازی تمکین نمی‌کند بلکه موجودیت آنرا زیر سوال برده‌اند.

از طرف دیگر و در مقابله با مقاومتها و ضد - حمله‌های همین جناح است که جناح طرفدار بخش خصوصی که مجمع بازسازی را در مجموع در جانب خود می‌بیند و مقاومت کابینه را مانعی بر سرپیش برد خط بازسازی میدانند، با صراحت خواستار برکناری دولت کنونی شده است. سرمقاله‌های سه شنبه ۱۰ و پنجشنبه ۱۲ آبان ۶۷ روزنامه رسالت خطاب به رئیس جمهور و نمایندگان مجلس، تحت عنوان "ضرورت تحول" با برشمردن مختصات کنونی میگوید "آنچه که جامعه ... در انتظار آن بوده یا ممکن است هنوز باشد، نعتیاً تاووم سیاستهای دولت زمان جنگ نیست بلکه تحولی است در جهت تازه و چه بسا تحولی در جهت نفی آنچه تاکنون بوده است." و با بیان اختلافات موجود و عدم تطابق دولت فعلی با تصمیم گیری ها، برنامه بازسازی را مطرح میکند و حتی نتیجه میگیرد که برای تعویض کابینه نباید تا انتخابات آینده رئیس جمهوری منتظر ماند." اکنون مدیریت دولتی نوعی اظهار بی میلی در به انجام رساندن تصمیمات حیاتی مقطع کنونی از خود نشان میدهد و به استناد فرصت کوتاه تا انتخابات ریاست جمهوری که حداقل ده ماه دیگر به برگزاری آن باقیمانده است، آغاز تحولات در نظام اجرایی کشور را موکول به آن زمان میکند. " سپس ادامه میدهد: "امروز تاخیر در تصمیم گیری زیانهای زیادی متوجه اصل نظام مینماید. امروز هر یک از افراد این ملت، انتظار پاسخی فوری دارد. نه تنها زمانی حدود یکسال فرصت کوتاهی برای صدور بودن نیست، بلکه درباره یکماه تاخیر هم باید با تردید سخن گفت."

واقعیت آنست که درگیرها بسرعت به نقطه حساس و انفجاری نزدیک میشود و این از هم گسیختگی به کیفیت تازمائی میرسد، گرگها سخت تر از هروقت به جان هم افتادند.

يك فرهنگي ميگفت: شنيدم موسوي با محسن رضائي فرمانده پاساهاها دست به يكي كرده بوده تا هرطور شده نكنازه خط رفسنجاني كه خط آشتي با امريكاست پيش بره ولي از قرار معلوم دارن در مقابل حريف ضربه ميشن.

دوست كارگري ميگفت: خود كرده را تدبير نيست، موسوي از روز اول زير عباي ملاها سنگر گرفته بود حالا كه نفسي تنگي گرفته هر چي هم داد و فرياد بزنه ديگه نمي تونه برخلاف نظر اونا حركتي بكنه و بايد خفقان بگيره و بفهمه كه از اولشم عددي نيوده.

**با پیام کارگر همکاری کنید!**



دانشجویان ایرانی! تشکیل دانشجویان ایرانی را سازمان دهیم! میزان کارگری است، سازماندهی است، مبارزه است.

اعتماد دانشجویان مدارس حرفه‌ای عالی (Fachhochschule) در شهرهای دارمشتات، فرانکفورت، ویسبادن، فریدبرگ و فولدا اکنون وارد دهمین هفته خود می‌شود، این اعتماد که با خواسته اصلی افزایش امکانات مادی و انسانی آموزشی موسسات فوق (که برای ۲۵۰۰ دانشجوی طرح ریزی شده ولی بیش از ۸۰۰۰ دانشجوی دارند) شروع شده علمبرغم گسترش همه جانبه اعتماد که اکثریت قاطع دانشجویان را دربر گرفته و حمایت بخشی از کادر علمی موسسات فوق را نیز با خود دارد، دانشجویان خارجی و سوییژه دانشجویان ایرانی شرکت مشکل و مستقلى ندارند. براساسی شعارهای اخس دانشجویان ایرانی و خواسته های آنها می‌توانست در موقیت بسیار زما عطفلی طرح شده و انعکاس مثبت قابل ملاحظه‌ای بیابد. غافلگیر شدن دانشجویان ایرانی در جریان اعتماد فوق ناشی از این نیست که اینان فاقد خواسته‌های منفی اخس خود از جمله بورس تحصیلی و یا حمایت مالی حین تحصیل، تسهیلات ویژه برای دریافت پذیرش و نیز دریافت ویزا برای خانواده های خود و خواسته‌های مشابه نیستند. دانشجویان ایرانی بویژه اگر بیانهنده نباشند، با مشکلات متعدد بیشتری روبرو هستند.

ما همه فعالین جنبش دانشجویی را به حمایت از اعتماد جاری و شرکت فعال در آن و نیز به فعالیت مشترک در زمینه سازماندهی تشکلهای صنفی و دموکراتیک دانشجویان ایرانی، دعوت میکنیم.

ادامه از صفحه ۴

نامه‌ای از ایران ...

کارگر کفاشی می‌گفت وضع بازار خیلی خرابه یعنی هر ساعت به جوهر بازاری ها خیلی ناگسند هر وقت توی دولت یا آخوندهای رده بالا حرفی زده میشه اینا قبلا می نهن و مدام شل و سفت میکنند یعنی به روز جنس هاشون رو میروشنند و روز دیگه قایم میکنند و میگو جنس نداریم و ادامه میناد که جنگ و دعوی موسوی با خامنه‌ای سر حمایت از بازاری هاست، خامنه‌ای میخواد به اونا میچون بده اما موسوی نمی‌گذاره، گفتم یعنی موسوی طرفدار شاهاست؟ با خنده گفت اروای باباش، پدر خودش بازاریه اما برای ژست با خامنه‌ای در افتاده اینا سرتاپا به کرپاسند فکر من و تو نیستند.

راننده، مینی بوسی که داخل شهر سافرتکی میکرد میگفت: خمینی پوز این یکی (موسوی) رو هم زد، تو نمیری این بابا دست آخر سر همه! اطرافیانشو میخوره، انگار گفتشو موش جوئیده خیال مردن نداره، دوستش گفت اگه طرف بمیره جنگ و دعوی دور و بری- هاش اتقدر بالا میگیره که دیگه به بگیر و ببند همدیگر هم راضی نیستند همو قیبه قیبه میکنند، راه نجات مردم هم همینه که اینا به جون هم بیفتند.

پیروزی عینگی در صف گوشت در جواب جوانی که گفت نخست وزیر هم که استعفا داده، در حالیکه با شت به سینمایش میگوید گفت الهی بحق پنج تن آل ابا نیست و نابود بشه استعفا که چیزی نیست، مردی با خنده و شوخی گفت مادر جوونه نفرین نکن گناه داره! پیروتن با خشم در حالیکه دهانش کف کرده بود گفت به ترک از توه من که جوونتر نیست اگه این پدر سوخته‌ها حظی از زندگیاشون بردن، توه بیچاره من تازه سیلش سبز شده بود که خبرشو پس از ۲۰ ماه خدمت آوردن.

بنیان جدید ...

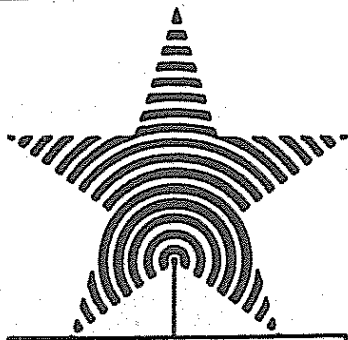
برنامه‌ریزی برای راه‌اندازی یک مسابقه فیلمسازی آماتوری سالانه در هر یک از کشورهای قاره.

تاسیس یک بانک اطلاعاتی - سمعی و بصری و آرشیو فیلم مخصوص سینمای آمریکای لاتین.

مقدمات انتشار یک کتاب تاریخ جامع سینمای آمریکای لاتین و یک اطلس فیلم و یک فرهنگ لغات و اصطلاحات سینمایی و تلویزیونی به زبان اسپانیایی. بخش مکزیکي بنیاد به تازگی در تدارک انتشار یک سالنامه است که در آن مقالات و مدارک مربوط به سینمای آمریکای لاتین، کشور به کشور، درج می‌شود. انتشارات دیگری نیز در بخشهای برزیل، آرژانتین، کلمبیا و پرو نیز در دست اقدام است.

بنیاد، علاوه بر اینها، کشورهای آمریکای لاتین را ترغیب کرده است تا یکسال سینما را در کشورشان به نمایش تولیدات سینمایی آمریکای لاتین اختصاص دهند و این طرح تا به حال از سوی نهادهای سینمایی دولتی کشورهای ونزوئلا، برزیل، اکوادور، کلمبیا و مکزیک پذیرفته شده است. آنها همجنس امده‌وارند که سالهای مشابهی را در پایتختهای بزرگ کشورهای اروپایی به منظور نمایش دائمی فیلمهای جدید و قدیم آمریکای لاتین تاسیس کنند.

در حال حاضر ده فیلم سینمای این قاره از سوی بنیاد برگزیده شده تا در یک تور سینمایی در قاره‌های آمریکا و آفریقا به نمایش درآید که نخستین نمایش آن در ماه ژوئن ۱۹۸۷ در اکوادور برگزار شده است. تعداد دیگری از فیلمهای منتخب سینمای آمریکای لاتین نیز در حال آماده شدن است تا همراه با سازندگان آنها طی سالهای ۸۸ - ۱۹۸۷ در سراسر جهان به نمایش گذاشته شوند. اولین نمایش این فیلمها در جشنواره فیلم توکیو در ماه اکتبر خواهد بود و پس از آن در بکن، دهلی نو و مسکو نمایش داده خواهند شد.



صدای کارگر

رادیوی سازمان کارگران اتحادیه ایران به همراه

★ برنامۀ صدای کارگر هر شب ساعت ۶ روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متربرابر با ۴ مگاهرتز پخش می‌گردد.

★ این برنامۀ ساعت ۹ همان شب ساعت ۶ صبح روز بعد مجدداً پخش می‌گردد.

★ جمعه‌ها برنامۀ ویژه پخش می‌شود.

★ ساعت و طول موج صدای کارگر را به خاطر بسپارید؛ ساعات پخش و طول موج صدای کارگر را به هر وسیله ممکن به اطلاع کارگران و زحمتمندان برسانید و آنان را به شنیدن صدای کارگر دعوت نمایید!

ALIZADI B.P. 195  
75564 PARIS - CEDEX 12  
FRANCE

POSTFACH 650226  
1 - BERLIN 65  
W - GERMANY

نامه‌ای از ایران

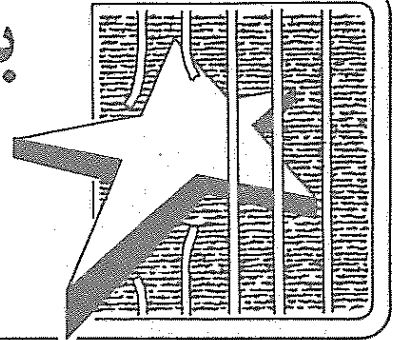
گزارش از نظرات مردم

در صفحه ۴

## برای آزادی

در صفحات ۸ و ۱۰

زندانیان سیاسی  
متحداً مبارزه کنیم!



## برای نجات جان زندانیان سیاسی متحدان بپا خیزید!

آلمان فدرال



قبرهای دستجمعی برای اعدام شدگان در طی سه ماه اخیر زندانیان اوین، کوهردشت، عادل آباد شیراز، "فجر" اهواز، و زندانیان شهید، باختران ایلام و کنگاور، رشت و شهری و دیگر اسارتگاه‌ها، قربانگاه انسانی بودند که جرمشان داشتن اندیشی بجز اندیشه حکام کنونی ایران است.

بر اساس آخرین گزارش سازمان غوبین المللی در اوائل سپتامبر گذشته، تاکنون صدها تن خلق آویز گردیده و یا به جوخه‌های اعدام سپرده شده‌اند.

"جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران" خواستار توقف بلا رنگ اعدام و شکنجه زندانیان سیاسی و آزادی بی قید و شرط آنان می‌باشد. ما از تمامی ارکانی منافع حقوق بشر، شخصیت‌های انساندوست مجامع بین المللی نریض می‌خواهیم:

۱ - در جهت لغو توری اعدام و شکنجه زندانیان سیاسی ایران از تمام امکاناتش بهره بگیرند.

۲ - جنایات به اوج رسیدن در زندانیان جمهوری اسلامی را انشا و محکوم نمایند.

۳ - هیئت‌هایی را در اسرع وقت برای بازدید و بررسی شرایط زندانیان ایران و وضعیت جسمی و روحی زندانیان سیاسی به کشورمان اعزام نمایند.

قابل ذکر است که در این تظاهرات افراد و گروه‌هایی از پناهندگان از شهرهای دیگر آلمان فدرال چون دورتموند، اسن، بوخوم، آخن و بن شرکت داشتند.

روز شنبه ۲۹ اکتبر شهر کلن در آلمان فدرال شاهد میتینگ اعتراضی صدها ایرانی بود که در دفاع از جان زندانیان سیاسی در ایران بپا خاسته بودند.

این میتینگ باشکوه که بدعت "جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران - کلن" در جلوی کلیسای بزرگ شهر برگزار شد توجه بسیاری از خارجی‌ها را بخود معطوف داشت. تظاهرکنندگان در پایان قطعنامه‌ای بر زبان فارسی و آلمانی قرائت کردند. در بخشی از این قطعنامه آمده:

هسوطنان گرامی!

حاکمان جمهوری اسلامی زیر سایه توجه افکار عمومی جهان به آتش بس جنگ خلیج و مذاکرات صلح، وحشیگری و جنایت را در زندانیان ایران به اوج رسانده‌اند. موج تازهای از پیگرد و دستگیری فعالین سیاسی، دستگیری مجدد زندانیان سیاسی آزاد شده، بازجوئی و محاکمه دوباره زندانیان، تحت فشارهای جسمی و روانی توصیف ناپذیر و اعدام‌های جمعی پدیدار شده است.

این روزها رژیم دست به حیلۀ دیگری زده و برای کشیدن حجاب بر روی جنایاتی که هر روزه مرتکب میشود، مسئله "غوغوی" را با سرو صدای زیاد مطرح کرده است. درست در لحظاتی که مقامات جمهوری اسلامی از رادیوها، تریبون نماز جمعه و در صاحبها از بخش زندانیان سیاسی صحبت میکنند، بولدوزرها مشغول حفر